

پیام سندیکا

پیام سندیکا

پیام آور سندیکاهای کارگری ایران

حاصل اتحاد تاریخی کارگران سندیکایی در راستای شکل و آگاهی برای کارگران

شماره ۹۷ / سال نهم / بهمن ماه ۹۹ / نشریه سندیکاهای کارگری ایران



خواسته ی اصلی ما، معیشت است و درمان!





ماهنامه نشریه پیام سندیکا، پیام آور سندیکاهای کارگری ایران شماره ۹۷ بهمن ۱۳۹۹ در ایران بصورت چاپی و الکترونیکی منتشر شد.

در این شماره می خوانید:

اطلاعیه های سندیکاهای کارگری ص ۱

گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر ص ۴

سرنوشت نامه های آرسالی به مقامات! ص ۲۰

خواسته ی ما همین، زندگی بهینه! ص ۲۱

حق خود را می خواهیم! ص ۲۵

سودجویی به هر طریق! ص ۲۷

تأمین اجتماعی از اسناد سازمان ملل متحد! ص ۲۸

"شنیدن کمی بود مانند دیدن" ص ۲۹

عیدی و این همه دغلبازی ص ۳۲

دیگر توان پرداخت اجاره خانه ندارم! ص ۳۴

سرت را بالا بگیر ص ۳۶

اینجا مثلا دبستان است! ص ۳۸

روند جنبش کارگری و سندیکایی در ایران! ص ۳۹

زنان تلاشگر را بشناسیم ص ۴۴

یاد بگیریم! ص ۴۶

دیدار با مسوولین سازمان پسماند کرج! ص ۴۹

درسامه (۸) ص ۵۱

پیاموزیم! ص ۵۲

پیام سندیکا

ماهنامه خبری تحلیلی کارگری

نشریه درونی سندیکاهای کارگری

ایران کاری از کارگران سندیکایی

ایران، بر اساس منشور جهانی

سندیکاهای کارگری در راستای

تشکل و آگاهی برای کارگران، از مهر

۱۳۹۰/چاپ تهران

(چاپی و الکترونیکی)

سندیکای کارگران فلز کارمکانیک

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی

سندیکای کارگران نقاش و تزئینات

سندیکای کارگران بنا

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

اتحادیه نیروی کار پروژه های

<http://vahedsyndica.com>

vsyndica@gmail.com

s_felezkar@yahoo.com

gmail.com@sfelezkar1961

www.sfelezkar.com

irunionmessenger@gmail.com

برای اطلاع از دیدگاههای ما می توانید به سایت دو زبانه سندیکای

کارگران فلز کارمکانیک ایران به آدرس sfelezkar.com و کانال رسمی

سندیکا در تلگرام به آدرس

=کانال رسمی سندیکای کارگران فلز کارمکانیک ایران

مراجعه کنید

خواسته ی اصلی ما، معیشت است و درمان!

می آییم با سفره ای خالی!

و دست هایی چروکیده از رنج کار،

تا بگوییم حق ما این نیست.

پیرو اعتراضات قبلی، به اطلاع همه بازنشستگان عزیز می رسانیم که تجمع سراسری بازنشستگان، مستمری بگیران، از کارافتادگان و بازماندگان بیمه ی تامین اجتماعی در استان تهران، استان ها و شهرستانهای همجوار (کرج و البرز و قزوین و غیره) در تاریخ ۲۶ بهمن ساعت ۱۰ و ۳۰ دقیقه صبح در اعتراض به وضعیت معیشتی خود در مقابل مجلس شورای اسلامی برگزار می شود. از همه بازنشستگان تقاضا داریم برای رساندن صدای حق طلبانه مان با حضور حداکثری در این تجمع شرکت کنیم. همچنین از خواهران و برادران شهرستانی خود تقاضا داریم تجمعات خود را مقابل صدا و سیما برگزار کنند تا واکنشی باشد به عدم پوشش خبری اعتراضات مادر بزرگ ها و پدر بزرگ ها.

من میام، تو هم بیا

گروه بازنشستگان پایتخت و سراسر کشور

بازنشستگان سندیکای بافنده سوزنی

بازنشستگان فلزکار مکانیک

۹ بهمن ۱۳۹۹

از برادران خود حمایت می کنیم!

با فرسایشی کردن موضوع خصوصی سازی و ورود مافیا به این موضوع و ابهام در دادگاه اسدبیگی رانتخوار و برای اینکه هفت تپه همچنان در دست مافیای رانتخوار مانده و هزاران خانواده کارگری سرگردان و گرسنه بمانند، در نمایشی کودکانه ۲۷ کارگر نیشکر هفت تپه به جرم حق خواهی به دادگاه فراخوانده شدند. ۱- یوسف بهمنی ۲- ابراهیم عباسی ۳- محمد امیدوار ۴- حسن جوادی کهنگی ۵- حسین خلف نوری ۶- حسین حمدانی ۷- عادل سرخه ۸- محمود خدایی ورپشتی ۹- حمید ممبینی ۱۰- صاحب ظهیری ۱۱- مسعود حیوری ۱۲- حامد حمدانی ۱۳- محمد حمدانی ۱۴- لهراسب طالبی بیرگانی ۱۵- محمد سرخه ۱۶- قاسم بلدی ۱۷- مهدی حجازیان ۱۸- عبدالرضا معتمد نیا ۱۹- مهدی فتحی ۲۰- محمد رضا دبیریان ۲۱- مهدی حسین وند ۲۲- علی سرخه ۲۳- امید آزادی نژاد ۲۵- مهدی احمدی ۲۶- فیصل تعالبی ۲۷- مهدی داوودی.

مافیا می خواهد مجتمع نیشکر هفت تپه با نزدیک به ۵ هزار کارگر که در کارخانه های الکل سازی، کاغذسازی، ماس خوراک دام، کارگران کشاورزی نی بر تعطیل شود تا واردات شکر، خوراک دام، کاغذ و الکل به راحتی برایشان سودهای نجومی بیاورد. آنها می خواهند ارزهای حاصل از این کار و همچنین وام های بی در و پیکری که به هر آدم ناشناس اما حامی مافیا داده شود تا ثروت مردم ایران را به کشورهای خارجی برده از طریق این پول ها زمینه ای برای گروگان گیری بیشتر مردم و زحمتکشان با تحریم غذا و دارو گردد.

ما همچنان از برادران خود حمایت کرده و خواهان قطع دست رانتخوران و مافیا از سر صنایع و بویژه هفت تپه هستیم. زحمتکشان ایران اجازه نخواهند داد هفت تپه را به هیکویی دیگر تبدیل کنید. اینگونه حرکات مذبحخانه خللی در امر مخالفت زحمتکشان ایرانی با خصوصی سازی و دستورات صندوق بین المللی پول و سیاست های ضد کارگری نئولیبرالیسم، نخواهد داشت و از همه توان مان برای حمایت از خواسته های خواهران و برادران هفت تپه ای استفاده خواهیم کرد.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

بازنشستگان فلزکارمکانیک

بازنشستگان سندیکای کارگران بافنده سوزنی ۳۰ دیماه ۱۳۹۹

همراه شو عزیز! کین درد مشترک هرگز جدا جدا درمان نمی شود.



به اطلاع همگان می رساند: در ادامه‌ی تجمعات حق خواهانه‌ی قبلی جهت دستیابی به مطالبات مسلم خود، ما بازنشستگان فلزکارمکانیک و بافنده سوزنی با همراهی خواهران و برادران خود تجمع ۷ بهمن ماه ۱۳۹۹ را پرشورتر خواهیم نمود. لذا بدینوسیله به اعضا و هواداران خود اعلام می داریم که آنان نیز با حضور در مقابل سازمان تامین اجتماعی شهرشان فریاد حق خواهی را قوی تر کنند. فریادهایمان هرچه بیشتر و هم صدایی مان هرچه قوی تر، دستیابی به حق مان را هموارتر خواهد کرد. در کنار هم بمانیم، پیروزیم.

مکان تجمع: تهران، خیابان آزادی روبروی وزارت کار

زمان تجمع: روز سه شنبه ۷ بهمن ماه ۱۳۹۹ ساعت ۱۰ و سی دقیقه صبح

من میام، تو هم بیا!

بازنشستگان بافنده سوزنی و فلزکارمکانیک

۲۶ دی ماه ۱۳۹۹

گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور



گزارش خبرنگار پیام سندیکا از ذوب آهن



شرکت سهامی ذوب آهن اصفهان

۱- دندان تیز بانک ها برای ذوب آهن!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، با سودآوری افسانه ای ذوب آهن، سرمایه داری مالی برای ناپودی این صنعت مادر دندان تیز کرده است. مدیرعامل بانک تجارت که سلامش بی طمع نیست به ذوب آهن رفته و چنین گفته است: «ذوب آهن توانسته با صادرات محصولات خود ارزش حاصل را به کشور بازگرداند... بانک ها مشاوران خوبی برای تولیدکنندگان محسوب می شوند... ذوب آهن نیازمند یک پشتوانه مالی است» و در نهایت بانک تجارت شریک راهبردی ذوب آهن اصفهان برای ارتقا تولید گردید. بانک دی هم برای اینکه از این نم کلاهی برای خود داشته باشد اعلام همکاری با ذوب آهن نمود. با ارزشآوری ۷ برابری فولاد نسبت به صادرات سنگ آهن و سودهای ۵۰ الی ۳۰۰ درصدی در ذوب آهن، سرمایه مالی برای تصاحب این ارزشها و ایجاد محیطی برای

اختلاس گران، دورخیز نموده اند. وگرنه چرا ذوب آهن که ۸۰ درصدش متعلق به سازمان تامین اجتماعی است از بانک رفاه که آنهم متعلق به سازمان است دعوت به همکاری نکرد؟؟ آیا مدیران سازمان تامین اجتماعی، بانک رفاه، ذوب آهن به دنبال اجرایی کردن دستورات صندوق بین المللی پول و تحقق نئولیبرالیسم در این نهادها هستند؟ کسی نیست به این بانک ها بگوید که مشاوره شما بر سر هیکو مهمترین سازنده ماشین آلات سنگین راهسازی در خاورمیانه چه بلایی آورده است؟ که کارگزارانش به گدایی افتاده اند. نابودی اولین کارخانه سازنده لوازم خانگی (ارج) و کارخانه های ماشین سازی و تراکتورسازی تبریز سازنده ماشین های تراش و ماشین های کشاورزی آیا ماحصل کار مشاوره های شما نیست؟ بی تردید سیاست های نئولیبرالیستی و دستورات صندوق بین المللی پول در راستای نابودی صنعت ذوب هم به دست سوداگران بانک ها رقم خواهد خورد.

۲- هیاهویی برای هیچ!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، با توجه به اعتراضات کارگران بخش های مختلف کارخانه ذوب آهن در مورد کمی دستمزدها و گرانی های روز افزون، در جلسه شورای معاونین شرکت ذوب آهن « بر ضرورت بهبود معیشت کارکنان از طریق راهکارهای قانونی تاکید شد» اینکه این راهکارها چیست و بالاخره شورای معاونین کی می خواهد به این موضوع بپردازد مبهم مانده است. البته شورای معاونین برای سرپوش گذاشتن به اعتراضات کارگران چنین فیلمی بازی کرده است وگرنه خودشان بهتر می دانند که با طبقه بندی درست می توان بخشی از دستمزدها را پوشش داد. اما جالبتر اینکه در شورای معاونین از «بستن قرارداد خودروی سبک با شرکت تعاونی مصرف کارگران» رونمایی شد. تعاونی مصرفی که باید به دنبال برداشتن بار گرانی ها از دوش کارگران باشد با آمدن مدیرعامل تعاونی مصرف منصوب شده توسط کارخانه به دنبال تحصیل سود از هر راهی است و از وظایف خود غافل مانده است و فقط به دنبال برداشتن بار از دوش مدیران ذوب آهن و درگیر کردن سرمایه کارگران عضو تعاونی در مسیرهای دیگری است.

۳- نگاهی به مصاحبه مدیرعامل تعاونی مصرف ذوب آهن اصفهان!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، تعاونی مصرف ذوب آهن ۵۲ هزار عضو و ۱۰ فروشگاه در استان اصفهان و چهارمحال بختیاری دارد و از امکانات مالی خوبی برخوردار است. امین قنبری مدیرعامل تعاونی مصرف طی مصاحبه ای با نشریه داخلی ذوب آهن از برنده شدن در مناقصه حمل و نقل کارگران و بهبود وضعیت سرویس های کارگری حرف زده است. ما در گزارش قبلی دروغش را آشکار کردیم، اما کارگران ذوب آهنی می گویند آیا وظیفه مدیرعامل تعاونی مصرف بستن قرارداد برای سرویس حمل و نقل کارگران است یا ارزان تهیه نمودن ارزاق برای کارگران؟ آیا تعاونی مصرف کارگران ذوب آهنی باید عملکردی مثل فروشگاههای زنجیره ای و تلاش برای گرفتن حداکثر سود از کارگران داشته باشد؟ متاسفانه دیدگاه مدیرعامل تعاونی مصرف معطوف به پول در آوردن است آن هم از هر راهی است و این دیدگاه کاری به وظایف اصلی مدیریتی ایشان که باید برای تهیه کالاهای ارزان و با کیفیت برای اعضا تلاش کند، ندارد. چرا مدیریت برای زوج های جوان ذوب آهنی تخفیف ویژه قابل نمی شود تا زودتر به سر خانه و زندگیشان بروند؟ چرا

برای بستن قرارداد با کارخانه‌های لوازم خانگی اقدام نمی‌کند که هم تولید ملی را یاری کند و هم لوازم خانگی با قیمت مناسب و با کیفیت به دست کارگر برسد. امین قنبری ها دلال هستند و باید برکنار شوند. مدیریت ذوب آهن هم در مورد انتخاب مدیرعامل تعاونی مصرف دخالت نکند.

۴-مدیری که موفق نیست!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، در مصاحبه ای که امین قنبری مدیرعامل تعاونی مصرف کارکنان ذوب آهن اصفهان نموده است اعلام کرده: «این تعاونی در مناقصه حمل و نقل کارگران ذوب آهن برنده شد و با خودروهای ایمن و امکانات خوب تمامی سرویس های حمل و نقل کارگری را با رعایت نکات بهداشتی تجهیز کرده تا کارکنان به موقع و سالم در محل کار حاضر و با رضایت مندی به آغوش خانواده بازگردند» آیا رضایت مندی حاصل شده است؟؟ در آخرین گزارشی که کارگران به سندیکای فلزکارمکانیک داده اند از شلوغی اتوبوس های مسیر فلاورجان به ویژه به سمت گارماسه، سپیدان، اشترجان، پیربکران شکایت داشته اند. آیا در این شلوغی رعایت نکات بهداشتی مقابله با کرونا انجام شدنی است؟ وقتی مدیری به جای انجام وظایف خود پا توی کفش دیگر مسابلی که نه ربطی به او دارد و نه در تخصص اوست، می کند اینگونه دروغگویی آشکار می شود. به جای اینکه جنس ارزان برای کارگر تهیه کند، شده است مدیریت تا از این دلالی پشمکی هم نصیب او شود.

اخبار ایران خودرو



ایران خودرو

۱-قانونی مزخرف به نام دو برادری!!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، قوانین مسخره ای در ایران خودرو حکمفرماست که باعث خشم کارگران شده است. در شرکت ایران خودرو اگر دو برادر همزمان شاغل باشند فقط یکی از آنها می تواند به صورت قراردادی باشد. یکی از کارگران نیرو محرکه که ۲۸ سال سابقه کار در ایران خودرو دارد به دلیل اینکه برادرش در سیران خودرو شاغل و قراردادی است تبدیل وضعیت نشده

و ماکان از مزایای ایران خودرو بهره مند نیست. از این قوانین مسخره در ایران خودرو کم نداریم.

۲- عرق ریزان مدیریت ایران خودرو!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، همه فکر می کنند در ایران خودرو کار کردن بسیار عالی و رویایی است اما نمی دانند که مدیریت بی عرضه ایران خودرو حتا از پس درست کردن آبسردکن سالن رنگ ۲ بر نمی آید و فقط هم به این مورد ختم نمی شود بلکه گذاشتن آبسردکن در مکانی که قابل دسترسی برای کارگران سالن نیست، خنده ای تلخ و خشمگین کارگران را به همراه داشته است. مورد دیگر، تاخیر سرویس های داخلی در ایستگاهها، آن هم با وجود هوای سرد است چرا که مدیریت نتوانسته خودروهای مورد نیاز خطوط تولیدی را تامین کند. مورد دیگر، کارگران کرجی شاغل در ایران خودرو بارها با نوشتن نامه از بی نظمی سرویس های ایران خودرو در مناطق کرج شکایت داشته اند. در این روزهای کرونایی و سرد باید در سرما بمانند و هم با تاخیر به سرکار برسند. مورد دیگر تعداد مسافران سرویس شهرک ولی عصر شیفت بعدازظهر آن قدر زیاد است و کمبود جا دارد که کارگران از ترس بیمار شدن کرونایی، وسط راه پیاده شده، سر اتوبان با ماشین های شخصی تو راهی به خانه می روند. به نظر شما با موارد گفته شده به نظر شما اعلام ۲۱ دیماه روز سفید در ایران خودرو بدون ابتلا به بیماری را می توان به حساب مدیریت گذاشت؟

۳- اعتراض ها در ایران خودرو بالا گرفت!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، با توجه به بازنشستگی ۱۰۰ کارگر اداره انبارهای مواد و همچنین نیاز شرکت ایران خودرو برای تولید بیشتر، فشار کار و اضافه کاری های اجباری که باعث فرسودگی کارگران می شود منجر به اعتراض کارگران خطوط تولید شد. کارگران خطوط تولید با نوشتن نامه ای اعتراضی از کمبود نیرو در سالن های تولید گفته و اعلام کردند: «بالاتس نیروها به هم خورده، تعداد زیادی از همکاران بازنشسته شده اند و افراد دارای بیماری های زمینه ای و خاص دورکار شده اند و ابتلا به کرونای برخی از همکاران هم مزید بر علت شده است» کارگران از مدیریت خواسته اند هرچه سریعتر نسبت به استخدام کارگران جایگزین اقدام کنند. آنان اعلام کردند: «شرایط برای کار کردن خوب نیست و ما جز خشم و نگرانی به خانه های خود چیزی نمی بریم، چاره ای عاجل باید اندیشیده شود»

۴- مدیریت ایران خودرو جواب نمی دهد؟

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، مدیریت ایران خودرو در مورد چگونگی بسته شدن قرارداد بیمه تکمیلی به کارگران گزارشی نداده است و معلوم نیست در این قرارداد چقدر به جیب مدیریت رفته است. همچنین کارگران نمی دانند افزایش تعرفه ها به چه میزان بوده و سطح پوشش بیمه به چه میزان افزایش یافته است؟ در ضمن کارگرانی که به تازگی دارای فرزند شده اند بارها به مدیریت

در مورد تاخیر یکماهه استفاده فرزند نوزادشان از بیمه را اعلام کرده اند. این در حالی است که حق بیمه نوزاد از حقوق پدرش کسر می شود ولی یکماه طول می کشد تا از بیمه بتواند استفاده بکند.

۵- تعلل مدیریت ایران خودرو در مورد سختی کار!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، لحاظ شدن سختی کار در سابقه کارگران ایران خودرویی از مهمترین مسایل و دغدغه های آنان است. کارگرانی که با شرایط سخت و زیان آور کار کرده و سلامتی شان را در معرض خطر قرار می دهند. با اینکه بارها در نشریه امان در مورد گروههای مختلف کارگران شاغل در ایران خودرو و موضوع سختی کارشان نوشتیم و مدیریت هم قول هایی در این مورد داده بود اما هنوز ابهام در این خصوص ادامه دارد. کارگران و رانندگان لیفتراک که سابقه پیمانکاری در شرکت های ارشد پکان، قالب های صنعتی، احیا گستر و GPI را دارند سختی کارشان هنوز لحاظ نشده و کارگران همچنان در انتظار و نگرانی به سر می برند

اخبار پروژه های نفت و گاز



۱- وضعیت نابسامان در دشت آزادگان!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، وضعیت نابسامان در دشت آزادگان در ۲ سایت شمالی و جنوبی با ۴۰۰ کارگر به کارفرمایی آسفالت طوس به همه کارگران قول می دهند که در این شرکت عقب افتادگی حقوق وجود ندارد و ۲۵ هرماه واریزی داریم. ولی هر ماه باید برای غذا و حقوق اعتصاب کرد تا پیگیر حقوق ها شده و واریز کنند. اعتراض کارگران برای افزایش حقوق و بهتر شدن غذا و به موقع دادن حقوق ها با یک چشم تمام می شد اما باز هم همان روال ادامه پیدا می کرد. یکی از مشکلات کارگران موقعیت کارگران بومی هویزه و سوسنگرد است. کمکیهای که از عربهای بومی هستند با حقوق ۳ میلیون کار می کنند. حقوق مونتاژکار با ۲۳ روز کار ۶ میلیون و فیتهم با ۲۳ روز کار ۷ میلیون می گیرند.

در شرکت پارسیان ایده یک هفته قبل به بهانه ریزش نیرو ۴ کارگر ۲ فیترو ۲ مونتاژکار که بهترین نیروهایشان بودند و اغلب اعتراضها هم از سوی این کارگران بود را، پیمانکار پروژه آقای کارگر اخراج کرد. حتا فورمن نیز به این اخراج اعتراض کرد اما سودی نداشت. قتی زمان تسویه پول کارگران شد پیمانکار یه فقره چک برای اسفندماه داد که کارگران قبول نکردند و با رفتن به حراست پیمانکار مجبور شد نصف حقوق ها را پول نقد و بقیه را برای آخر بهمن ماه بدهد. خورد و خوراک و چای که اگر بخوری حتمن مریض خواهی شد. وضعیت خوابگاهها بسیار افتضاح است دور تا دو خوابگاه آب لجن و پشه مالاریا است. در کمپ ها پر از سگ ولگرد است. متاسفانه پیمانکاران برای اینکه بتوانند کار را بگیرند قیمت پایین می دهند و تمام زورشان را می گذارند تا از کرده کارگر به زور کار بکشند که نمیشود و مجبور به فرار می شوند.

۲- تخلفات شرکت ها را برایمان گزارش کنید!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، اوضاع شرکت پناه صنعت پارت که در پتروشیمی گچساران کار می کند رضایت بخش نیست. به گزارش کارگران این شرکت کلیه پیمانکاران در پتروشیمی به جز پیمانکاری تیم صنعت که آقای سلحشور می باشند، از فامیل های مدیریت شرکت پناه صنعت می باشد و به همین خاطر شرکت صنعت پارت دست به تخلف های زیادی زده است. وضعیت غذا افتضاح پیمانکار که برادر مدیر عامل شرکت می باشد (آقای پناهی) نادیده گرفته می شود. حقوق ها زیر قیمت تعیین شده کمپین می باشد. عیدی و سنوات از حقوق ثابتی که توافق شده کسر می شود که آخر سال اگر پرداخت شود. مالیات از حقوق کسر می شود از عیدی سنوات هم کم می شود، یعنی عملا دو مالیات از یک حقوق نصفه و نیمه کسر می شود. از سندیکای فلزکاران و طراحان کمپین درخواست رسیدگی داریم.

۳- در شرکتهای پیمانکاری به کارگران چه می گذرد؟

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، شرکت احداث فاز ۱۴ کنگان یکماه است که به کارگراش دستکش نداده است. کفش های ایمنی بسیار بی کیفیت است که چند روز کار نکرده پاره می شوند. افسران ایمنی جرات گرفتن ایرادات ایمنی را ندارند، چون سریع اخراج میشوند. بعضی از این افسران ایمنی به دلیل اجاره دادن چندین دستگاه ماشین به شرکت مجبورند به خاطر منافعشان، نبود ایمنی را چشم پوشی کنند و از سلامت کارگر دفاع نکنند.

شرکت جهانپارس با اینکه به کارگران قول داده بود اگر اعتصاب را شکسته به کارگاه بیایند با آنها طبق حقوق اعلامی کمپین رفتار کند که شوربختانه بد عهدی کرده و الان در همه کارگاههایش، پایه حقوق سال قبل را به کارگران می دهد.

در کارگاه صدف عسلویه هم الان بخاطر اعتراض به افزایش نیافتن حقوق ها ۸۰ نفر کارگر را تسویه داده اند تا زبان دیگران هم بریده شود. به نصاب، جوشکار پلیت و مونتاژ کار ۴ میلیون نیم حقوق می دهد. تو را خدا این ها را خبر بدید تا کارگر دیگری بدبخت نشود و به این پروژه ها نرود.

۴- گزارشی از وضعیت بد پروژه ها!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، نامه ای از سوی کارگران چند پروژه برایمان ارسال شده است که توجه تان را به آن جلب می کنیم:

در این چند ماه در مورد وضعیت همه گروه‌های شغلی پروژه ای صحبت شد به جز نفرات دفتری. پیمانکاران حقوق نفرات دفتری رو افزایش ندادند و بهانه شان هم گرماست.

در پروژه آبادان شرکت IGC پیمانکاری کرامت سلحشور بهانه کارگران بومی را می آورد که چون کارگر نزدیک خانه اش است پس حقوق نفرات زیر شش میلیون برایشان کافی است. مثل پروژه همدان که حقوق نفرات را از شهرستان پشت تلفن صحبت می کند وقتی پایت را گذاشتی داخل کارگاه، یک میلیون کمتر میزند و چون فاصله زیادی با خانه داریم و در حقیقت با هزینه ای که کردیم، راه برگشت نداریم و مجبوریم بمونیم. وقتی می‌گفتیم چرا حقوق را کم زدی؟؟ میگفت هوا خنک و توی سرمای زمستان در هوای منفی ۱۸ درجه بازدهی تان کم است.

در شرکت آبادراهان پارس پیمانکاری رحمت سلحشور حقوق ها افتضاح و نمی‌دانیم با کی باید صحبت کردو آنقدر بی نظمی است که معلوم نیست اصلن سرپرست کارگاه کیه و هر کسی برای خودش یه ساز میزند. مثل ذبیح رحیمی که حقوق کارگر را پشت تلفن باهاش می‌بنده، بعد در عمل زیر حرفش میزند. وضعیت خوابگاهشان افتضاح و بهداشت درستى ندارد.

در پروژه جفیر شرکت پارسین ایده نمای دشت آزادگان که کارفرما اسفالت طوس حقوق نفرات فنی را زیر شش میلیون رد کرده است.

در استان فارس شهرستان فیروزآباد کارخانه ی کربنات سیدیوم معدن آب، پیمانکاری مجید محمدی از کاتکس های درب و داغون برای نیروهاش استفاده می کند و وضعیت نامناسبی دارد

خلاصه اینکه پیمانکاران عیدی و سنوات به کارگر نمی دهند و از قند و چای هم خبری نیست و آب آشامیدنی هم قابل خوردن نیست چرا که از بس شوره است. از سندیکای فلزکاران و مجریان کمپین افزایش حقوق ها در خواست دارم این موارد را منتشر کرده و فکری به حال کارگر بکنید.

۵- وضعیت در پتروشیمی بوشهر!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، شرکت های مشارکت سازه و سازه پاد استیم و جهانپارس در پتروشیمی بوشهر فاز یک هر چند حقوق کارگرانشان را بر طبق کمپین اعتصابی افزایش حقوقها در مرداد لحاظ کرده اند، اما هنوز حقوق آبان ماه کارگرانشان را که بیش از ۳۰۰۰ نفر هستند، پرداخت ننموده اند. بیمه کارگران نیز از آذرماه به حساب تامین اجتماعی ریخته نشده و کارگران و

خانواده هایشان در سرگردانی به سر می برند. همچنین گیت های ورودی پتروشیمی چه نوبت صبح چه نوبت عصر بیش از ظرفیت تعریف شده، کارگر ورود و خروج میکنند و ازدحام جمعیت خیلی زیاد و پروتکل های بهداشتی اصلن رعایت نمی شود وضعیت غذایی بسیار بد است و قابل خوردن نیست. وضعیت خوابگاهها تعریفی ندارد. سرویس ها هم تعدادی خوب ولی مابقی مینی بوس های بنز از رده خارج هستند.

۶- اتحاد شکنان را بشناسیم!

به گزارش، خبرنگار پیام سندیکا، نامه ای توسط کارگران پالایشگاه آبادان، شرکت آبادراهان، پروژه ی پیمانکاری سلحشور به دست ما رسیده است که عینا نقل می کنیم:

برادران سندیکا و پایینگ، ذبیح رحیمی به عنوان سرپرست جوش چند وقتی است تلاش دارد همکارانش خراب کند. این آقا زمانی که کارگر بود همیشه شعار میداد که فلان اینچ آمار خیلی است و هزار تا فحش میداد به پیمانکار و سرپرستها ولی با گذر زمان از وقتی که شد سرپرست جوش، ورق برگشت و این آقا شده اجل معلق برای همکاران و شروع کرده به زیرآب زنی و جو کارگاه را بهم ریخته. چیزی خیلی بیشتر از توان یک جوشکار می خواد. داره نیروها را پیش پیمونکار خراب میکند و نیروها هم که هزاران مشکل مالی و دلایل خاصی دارند و در بدترین شرایط کاری هستن مجبورن باهاش کنار بیان. آقای ذبیح رحیمی کارگاه آخری نیست که داری توش کار میکنی. نهایت دوسال دیگه اینجا باشی. بترس از اون روزی که بخوای جایی دیگه ای کار کنی و همین نیروها کارهای کثیفی که میکنی رو به گوش همه برسونن و همه با تف و لعنت بدرقه ات کنن جو پروژه اینطوریه. تو پروژه ی بعدی باید تورچتو بگیری دستت قرار نیست همیشه سرپرست باشی. تو همونی که زمانی که برای رحمت سلحشور جوش میدادی هزار تا فحش ناموس به این آقا میدادی حالا چی شده که دایه ی مهربانتر از مادر شدی؟ این افتضاحات رو جمع کن و آدم باش. هشدار از طرف کارگران پروژه پیمانکاری سلحشور

۷- اعتصاب در شرکت آب تابان!



به گزارش، خبرنگار پیام سندیکا، امروز صبح ۳۰ دیماه ۲۰۰ کارگر شرکت آب تابان زیرمجموعه قرارگاه خاتم در منطقه جفیر هویزه از استان خوزستان دست به اعتصاب زدند. اعتراض آنان از عدم پرداخت حقوق ۲ ماه خود بوده است. شرکت آب تابان با اخراج پیمانکار این کارگران سرگردانی را برای آنان بوجود آورده است. در حال حاضر کارگران نمی دانند حقوق خود را از چه کسی باید مطالبه کنند، قراردادهایشان با چه ارگانی اعتبار خواهد یافت و هیچکسی هم در این پروژه جوابگوی کارگران نیست. البته از طرف مدیریت پروژه به کارگران گفته شده است فردا حقوق آبنامه پرداخت خواهد شد. یکی از خواسته های اعتصاب مرداد ماه کارگران عقب نیفتادن حقوق ها بود

۸- تبعیض در نیروگاه پارس جنوبی!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، پس از کمپین افزایش دستمزدها در مرداد ماه امسال که در نیروگاه پارس جنوبی هم اعمال شد متأسفانه شرکت فراب در یک تبعیض آشکار از افزایش دادن حقوق کارگرانش به مقدار کمپین خودداری کرده است. این در حالی است که شرکت سپاسد که در جنب شرکت فراب است افزایش حقوق به میزان کمپین را به کارگرانش می دهد و حتا شرکت های زیر مجموعه های قرارگاه خاتم نیز افزایش حقوقی را برای کارگرانشان که در نیروگاه کار می کنند اعمال کرده هر چند به مقدار کمپین نبوده، اما افزایش اعمال شده است.

طراحان کمپین، سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران و گروه پایبینگ و اکیپ پروژه ای ها بدین وسیله از آقای بیرانوند می پرسند چرا برای شرکت فراب این تبعیض را قایل شده اید و حقوق ها را به مقدار کمپین به کارگران تان مانند دیگر شرکت های نیروگاه پارس جنوبی نمی دهید؟ منتظر پاسختان هستیم.

۹- برای شرکت نصب نیروی اردبیل کار نکنیم!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، شرکت نصب نیرو زیرمجموعه مپنا در نیروگاه اردبیل برای کارگران پروژه ای اش پایه حقوق رو ۲۴ روز طبق قرارداد حساب می کند اما ۶ روز دیگر را بر طبق اداره کار به کارگران می پردازد. حقوق خیلی پایینی به کارگران می دهد. مثلاً فیتز ۶ میلیون و داریست بند ۴۵۰۰ کمکی ۲۵۰۰. اضافه کارها را ساعتی ۱۴ هزار تومان و مبلغ ۲۳۰ هزار ماهانه بعنوان بیمه کم کرده و مالیات هم از کارگرانش بطور سلیقه ای هر ماهه کسر می کند. روزهایی که برف میاید یا باران که زیاد است اصلاً و ابدا تعطیلی وجود ندارد و در شرایط سخت و یخبندان باید کار کرد. کارگران هنوز حقوق مهرماه را دریافت نکرده اند. برای دریافت حقوق شهریور چند بار دست به اعتصاب زده اند. وضعیت خوابگاه مناسب ولی اوضاع سرویس کارکنان افتضاح است. سرویس بهداشتی دو تا بیشتر نیست که آن هم همیشه لوله هایش یخ زده و بدون آب گرمه است. غذای بسیار افتضاحی به کارگران می دهد. به نیروهای کارگری هم پیشنهاد می دهیم محل کار را ترک کرده تا کارفرما بفهمد با کارگر باید درست رفتار کند. آیا در خانه مدیران این شرکت زن و بچه هایشان هم بدون آب گرم زندگی می کنند که کارگر را در این شرایط نگه داشته

اند. برای خودمان و کارمان شخصیت قابل شویم و برای شرکت هایی که احترام انسانیت را نگه نمی دارند کار نکنیم.

گروه پایبند و اکیپ پروژه ای ها و سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران این پروژه را تحریم کارگری کرده است و از برادران کارگر تقاضا می کنیم برای کار به آنجا نروند

۱۰- گزارش از تخلفات شرکت احداث!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا تعدادی از کارگران با نوشتن نامه و امضای آن خواستار درج نامه شان در سندیکا شده اند.

«با سپاس و درود فراوان به شما حامیان قشر ضعیف کارگران»، در فاز ۱۴ واقع در کنگان شرکت احداث، زیر مجموعه شرکت مپنا، مشکلات عدیده زحمتکشان کارگر را در صورت صلاحدید جهت اطلاع رسانی، که شاید این مشکلات برطرف شود. در فاز ۱۴ کنگان شرکت احداث یک پیمانکار غذایی دارد بنام آقای کلایی. این پیمانکار چون مبلغ زیادی از شرکت پول طلب دارد و شرکت توان پرداخت آن را یکجا ندارد هر چه دلش خواست به خورد کارگر میدهد. گاهی وقتا هفت روز هفته را دوغ نزدیک تاریخ مصرف گذشته را میدهد و گاهی هیچ نمیدهد. در طول هفته (اسنبل) دوبار میدهد که جز سویا و باقلی چیزی داخلش نیست عدس و لوبیای آب پز جزو غذای ماست. برنج گاهی وقتا چنان بوی گاز کلر میدهد که حالت بهم میخورد ولی چاره ای نیست، آش و کشک خالته باید بخوری. برنج که فکر کنم فقط میریزن تو آب قد کشید میدان کارگر. کوبیده که مثل کش تنبان کش میاره و پاره نمیشه. مرغ سوخاری که عینه ی چوب خشک می پزن میدان کارگر. دسر مگه چیزی داریم؟ بله زمانی که باغ آقای کلایی بار داشت هراز چندگاهی آلویی یا هلوئی میداد ولی دیگه تحریم هستیم میوه نیست. صبحانه بقول اون دوستمون جز پنیر و حلوا سنگ و کره با مربا مگه چیز دیگه ای هم هست؟ از خورشت سیزی (یونجه) که نکو، گوجه بادمجون آب پز شدش بگم یا از مرغ نپخته که بو میدهد. دوستان وضع غذای شرکت احداث HSE افتضاحه ولی مگه کسی میتونه کاریش بکنه. سرگرم حساب کتابای خودش هست. کارفرما (مپنا) براش مهم فقط پیشرفت کار هست و بهداشت اینجا مرده. اینم اضافه کنم بتوها و بالش های ۵سال پیش شایدم بیشتر را میدان کارگرا. شما حق آوردن هیچ گونه وسایل که بتونی به تخم مرغ آب پز کنی به کمپ ممنوع شده، یعنی زور. هرچه بدن باید بخوری کسی هست که بشنوه. وسایل کارگران را میدزدن ولی نه حراست مپنا ونه کس دیگه ای جوابگو نیستامیدوارم این گروه صدای بی صدای قشر مظلوم کارگرهای آبادان کنگان را به گوش شنوایی برسانند. یا حق...

۱۱- برای پیمانکار بدحساب کار نکنیم!

به نامه رسیده به پیام سندیکا توجه کنید: « با سلام به داداش های سندیکایی. برای آقای تورج پرچمی حدود یکماه در منطقه زاهدان کار می کردم. سرپرست کارگاهش اخراج کرده و پولم را نداده است. شش روز موندم مهمان سرا. سعدی سراوان پولم نداد. فقط برای کرایه رفتیم ۷۰۰

هزار تومان واریز کرد، گفت یکم اول ماه واریز می‌کنم. الان صبح بهشون زنگ زدم جوابم نمیده. راکمی صدش میزنن. نه قرارداد دارم نه هیچی. آدرس هم از ایشون ندارم. هرکسی می‌شناسه تورج پرچمی آدرس خونه خودش یا پدرش داره رو برام بفرستین ممنون میشم. وقتی براش کار می‌کنی انگار بدهکارش هستی. حرف یه جور میزنه انگار براش کار نکردی الان می‌گه پول ندارم. قبل از سرکار رفتنم می‌گفت پول نقد میدم سر ۳۰ روز کارکرد»

برای خودمان شخصیت قابل باشیم و نان خانواده مان را از این جور نامردها تامین نکنیم. با کار نکردن برای تورج پرچمی ها، کاری کنیم که یا اخلاقتش را درست کند یا آتقدر بدون کارگر بماند تا از پروژه ها حذف شود.

وضعیت در شرکت داروسازی روناک ساوه!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، شرکت داروسازی روناک که در ساوه فعالیت می‌کند یکی از شرکت های دانش بنیانی است که روی داروی ضد کرونا تحقیق و در مرداد ماه امسال نیز دارویی که را می‌تواند در کاهش نرخ مرگ و میر بیماران و کاهش مدت زمان بستری آنها موثر باشد را تولید کرده است. وضعیت مالی و فروش خوبی دارد. با توجه به اطلاعات بالا کارگران این شرکت با فشار کاری و قطع پاداش و مزایا رو به رو هستند. با اخراج ۵۰ کارگر در این شرکت، حجم کار آنها به روی دوش کارگران باقی مانده افتاده است. با اعتصاب یک روزه ای که در ۱۰ دیماه در این کارخانه با پیشگامی کارگران آزمایشگاه و تولید روی داد که رییس کارخانه به کارگران قول داد که مدیرعامل ۱۴ دیماه به کارخانه آمده و به مشکلاتشان رسیدگی خواهد کرد. با آمدن مدیرعامل در روز موعود کارگران با برخورد بد ایشان روبرو شدند و اعلام کرد که هر که می‌خواهد بماند و هر که می‌خواهد برود و اعتراض آنها همچنان پابرجاست. متأسفانه وقتی دانشمندان ما به عرصه سودورزی وارد می‌شوند نه تنها خصایل انسانی خود را از دست می‌دهند بلکه خود را خداوندگار زیرمجموعه ای که برایش کار می‌کنند می‌دانند. عکس زیر روز اعتصاب رانشان می‌دهد.



مطالبات کارگران در مجتمع مس سرچشمه



به گزارش دریافتی از گزارشگر پیام سندیکا در مجتمع مس سرچشمه، مطالبات کارگری در این مجتمع کارخانه ای دچار تاخیرات زیر در پرداخت می باشد:

— شرکت سبافام کماکان از سال ۹۷ با وجود خاتمه یافتن فعالیت پیمانکاری اش، نسبت به تسویه حساب پیمانکاران دست دوم و حتا تسویه ی برخی از نفرات خود اقدام ننموده است

— شرکت فولمن از مهرماه نسبت به پرداخت حقوق پرسنل خود اقدام نکرده است.

— شرکت مبینا مشاور طرح تغلیظ از آبانماه در پرداخت حقوق پرسنل خود تاخیر نموده است.

— شرکت نیپک از سال ۹۷ نسبت به پرداخت مطالبات پیمانکاران خود اقدام نکرده است.

— شرکت دژپل پیمانکار معدن مس پس از گذشت یک سال و نیم نسبت به تسویه حساب نفرات تسویه شده اقدام نمی نماید.

— شرکت رامپکو نیز به عنوان پیمانکار فلوتاسیون در ماه های گذشته به طور منظم نسبت به پرداخت حقوق پرسنل اقدام می نماید.

گزارشگر پیام سندیکا-مجتمع مس سرچشمه

گزارشی از شرکت ملی حفاری ایران!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، ۱۵۰ کارگران اداره خدمات غذای شرکت ملی حفاری ایران که زیر پوشش شرکت پیمانکاری شرکت آبادان گران جنوب هستند از اول سال ۹۹ تاکنون بیمه تامین اجتماعی آنها رد نشده و خانواده های این کارگران سرگردان هستند. مدیران شرکت ملی حفاری ایران در این خصوص هیچ پاسخی نمی دهند که کارگران بدانند با این دفترچه های بی اعتبار چه کنند.

برای خواسته هایمان کوتاه نمی آییم!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا از گروه ملی فولاد اهواز، کارگران این مجتمع فولادی که چندی پیش تشکیل شورای اسلامی کار را ناکام گذاشته بودند در راستای خواسته های خود به مدیریت در مورد اضافه کار ایام کرونا و عدم پرداخت بدی آب و هوا هشدار داده و دست به اعتراض زده و خواستار رعایت حقوق قانونی مندرج در قانون کار شدند. البته مدیران سفارشی که قول داده بودند محیط این کارخانه را آرام نگاه دارند به تکاپو افتاده تا این موضوعات را به روندی فرسایشی تبدیل کرده و کارگران را از این اقدامات خود مایوس کنند. کارگران لوله سازی که در روند توقف تولید نقش به سزایی داشته اند به مدیریت مهلت ۴ روزه داده تا به خواسته های آنان به صورت کتبی پاسخ مستدل و قانونی بدهند و کارگران به کار بازگشتند. مدیریت حقوقی قرار است روز شنبه ۲۷ دیماه به کارگران پاسخ دهد.

با اتحاد، ترفندهای مدیریت را بی اثر کنید!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، در اقدامی تفرقه اندازانه و با هماهنگی حراست عده ای ورزشکار را به عنوان استخدامی اما برای ایجاد رعب و وحشت به گروه ملی فولاد آورده که اعتراض کارگران را در پی داشته و در گفتگو با این جوانان ورزشکار معلوم می شود موضوع استخدامی در میان نیست. خشم کارگران زمانی بیشتر شد که مدیرعامل هم از این کار حمایت به عمل آورد. با ورود نیروی انتظامی ضمن تلاش برای کنترل محیط، خواسته های کارگران را جویا می شوند. کارگران ضمن افشای این ترفند کودکانه مدیریت، بر لزوم اخراج این مدیر فاسد حراست تاکید می کنند. مدیریت که از برخورد اینچینی کارگران جا خورده بود به میان کارگران آمده و سخنرانی می کند که با سکوت کارگران مواجه می شود و در می یابد که حنایش رنگی ندارد و بهتر است از شرکت بیرون رود.

امید که با اتحاد بخش اداری و کارگران تولید اینگونه ترفندها رنگ باخته به اتحاد هرچه بیشتر کارگران بخش اداری و تولیدی و مهندسین بیانجامد.

اخبار کارگری شرکت واحد به نقل از کاتال تلگرامی سندیکای واحد



۱- دیدار جمعی از اعضای سندیکا با مدیرعامل، معاون منابع انسانی و معاون بهره‌برداری واحد

جمعی از اعضای سندیکا روز یکشنبه ۱۲ بهمن با مراجعه به دفتر مدیرعامل شرکت واحد، عدم واریز حق بیمه تامین اجتماعی، عدم واریز حق بیمه تکمیلی، همچنین بازنگری طرح طبقه بندی مشاغل را پیگیری کردند. در این دیدار آقای ترفع بیان داشته بخشی از بدهی به تامین اجتماعی نقدی واریز شده و یک ملک از شهرداری تهران نیز بعنوان بخشی از بدهی شرکت واحد به تامین اجتماعی واگذار شده است. مدیرعامل وعده داده که مشکلات تامین اعتبار دفترچه بیمه کارگران برطرف می‌شود. همچنین مدیرعامل گفته که برای بیمه تکمیلی با شرکت بیمه‌گر جلساتی داشته‌ایم تا مشکل عدم پرداخت تعهدات بیمه تکمیلی به کارگران مرتفع شود. در مورد بازنگری طرح طبقه‌بندی مشاغل هم گفته که قرارداد با یک شرکت برای تهیه طرح جدید بسته شده و در سال آینده طرح طبقه‌بندی مشاغل بازنگری می‌شود. صحبت‌های مدیرعامل، نمایندگان سندیکایی را برای برطرف شدن مشکلات بیمه‌ای کارگران و تاریخ اجرای بازنگری طرح طبقه‌بندی مشاغل قانع نکرده است. از دیگر موضوعات مورد بحث شیر و کیک معوق و ... بوده است. نمایندگان سندیکایی پس از دیدار با مدیرعامل جلسه مشترکی نیز با معاون منابع انسانی و معاون بهره‌برداری داشتند. در این جلسه درخواست عمده این نمایندگان رسیدگی به عدم پرداخت پاداش به رانندگانی که به دلیل خرابی اتوبوس از خط خارج می‌شوند، بود. (به رانندگانی که در طول روز یکسره در خط کار کنند، اضافه کاری بعنوان پاداش پرداخت می‌گردد) همچنین در مورد اصلاح ایستگاه مختاری در خط ۷ بی‌آرتی و عدم روشنایی خطوط در شب نیز صحبت شد و معاون بهره‌برداری قول بررسی و پیگیری داد.

۲- یکی از نمایندگان رانندگان بخش خصوصی شرکت واحد، توکل جمشیدی، پس از ۶ روز بازداشت، موقتا آزاد شد!

توکل جمشید یکی از نمایندگان رانندگان بخش خصوصی که چهارشنبه ۸ بهمن بازداشت شده بود دوشنبه ۱۳ بهمن با تودیع وثیقه، موقتا از زندان اوین آزاد شد. ایشان یک روز قبل از بازداشت با

تماس تلفن از سوی سپاه به دادسرای اوین احضار می‌گردد و در مراجعه به دادسرا بازداشت می‌شود. رانندگان بخش خصوصی در سه سال گذشته اعتراضات متعددی از جمله، تجمع مقابل استانداری و فرمانداری، حرکت با اتوبوس در خیابان با صف بزرگ و طولانی که به اتوبوس‌شان بنر با مضامین اعتراضی هم نصب کرده بودند، برگزار کرده‌اند. در روز یکم بهمن سال جاری نیز رانندگان یکی از شرکت‌های خصوصی اعتصاب کردند و انتظار می‌رود اعتراضات و اعتصابات منسجم رانندگان بخش خصوصی هر بیشتر گردد. از قرار معلوم بازداشت آقای توکل جمشیدی یکی از نمایندگان رانندگان بخش خصوصی نیز در ارتباط به نگرانی نهادهای امنیتی از اوج‌گیری اعتراضات و اعتصابات بخش خصوصی شرکت واحد اتوبوسرانی تهران باشد. بطور عمده اعتراض رانندگان بخش خصوصی درآمد ناچیز، هزینه بالای نگهداری اتوبوس، ساعت کاری نزدیک به ۱۶ ساعت در روز، عدم واگذاری فرا قانونی دو دانگ از اتوبوس به رانندگان، ظلم مضاعف شرکت‌های خصوصی با چراغ سبز مدیریت شرکت واحد می‌باشد.

۳- تعداد زیادی از صندلی رانندگان در اتوبوس‌های شرکت واحد شکسته و خراب است که موجب کمر و گردن درد و عارضه جسمی رانندگان می‌شود

وقتی صندلی راننده شکسته است راننده دچار خستگی مفرط می‌شود و همین امر در کیفیت رانندگی‌اش همچنین رفتار با مسافران اثر می‌گذارد. صندلی شکسته موجب عارضه کمر و گردن درد در رانندگان می‌شود که بعضاً راننده تا پایان عمر از این آلام رنج می‌برد.

۴- به دلیل عدم واریز حق بیمه تکمیلی کارگران از سوی مدیریت، کارگران از دریافت خدمات بیمه محرومند

با وجود اینکه حق بیمه تکمیلی از حقوق کارگران کسر شده است، مدیریت شرکت واحد با سوء استفاده از این وجوه، حق بیمه کارگران را به شرکت بیمه‌گر پرداخت نکرده است و کارگران با وجود پرداخت حق بیمه، از خدمات بیمه تکمیلی محروم هستند. حق بیمه تکمیلی کارگران حدود شش ماه است که به شرکت بیمه‌گر پرداخت نشده است. حتی اگر برابر مدارک و فاکتورها هزینه‌کرد کارگران بابت بیماری، بعد از پرداخت حق بیمه از سوی مدیریت به شرکت بیمه‌گر پس از معوق ماندن چند ماهه پرداخت گردد، کارگران از سه وجه متضرر هستند: ۱- با وجود تحمیل بیمه‌های تکمیلی به کارگران، علاوه بر حق بیمه تامین اجتماعی، کارگران باید حق بیمه دیگری بابت بیمه تکمیلی بپردازند تا در مواقع بیماری، بخشی از هزینه‌های سنگین درمان از طرف شرکت بیمه‌گر پرداخت شود و مشکل مالی بر آلام بیمارشان افزوده نگردد که این مهم محقق نمی‌شود. ۲- کارگران در هنگام بیماری علاوه بر آلام بیماری، برای تامین هزینه درمان دچار سختی مضاعف می‌شوند و چه بسا شروع پروسه درمان به دلیل عدم تامین مالی به تعویق بیفتد. ۳- چنانچه در موقع بیماری بیمه تکمیلی کارگران فعال باشد، آنان می‌توانند با مراجعه به بیمارستان طرف قرارداد بیمه بخشی از هزینه درمان را بطور مستقیم دریافت کنند. در صورتیکه چنانچه در موقع بیماری، بیمه تکمیلی‌شان فعال نباشد باید هزینه درمان را جیب‌شان بپردازند و پس از فعال شدن

بیمه تکمیلی‌شان، شرکت بیمه‌گر پس از کسر مبالغی تحت عنوان فرانشیز، مبلغ کمتری به کارگران پرداخت می‌کند. علاوه بر معوق شدن شش ماهه پرداخت حق بیمه تکمیلی رانندگان به شرکت بیمه‌گر، هر ساله انتخاب شرکت بیمه‌گر و تنظیم قرارداد آن، پشت درهای بسته و بدون کمترین میزان شفافیت صورت می‌گیرد و هنگام انتخاب شرکت بیمه‌گر و تنظیم قرارداد نیز ظن بسیار می‌رود که فساد مالی صورت می‌گیرد و کارگران از مفیدترین قرارداد بیمه محروم می‌شوند. در غیر اینصورت و در صورت عدم فساد مالی، مدیریت می‌بایست با شفافیت مراحل انتخاب و قرارداد با شرکت بیمه‌گر را به اطلاع کارگران می‌رساند.

۵- دروغ‌پردازی مدیرعامل شرکت واحد در مصاحبه با خبرگزاری ایلنا در مورد خدمات بیمه‌ای کارگران

دوم بهمن مدیرعامل شرکت واحد با خبرگزاری ایلنا مصاحبه‌ای داشت که بخش اول آن مربوط به تعویق خدمات بیمه تامین اجتماعی به کارگران بود و در تیتیر با این عنوان آمده بود: "خدمات بیمه‌ای پرسنل شرکت واحد هیچ وقت با محدودیت یا کاهش مواجه نشده است" مدیرعامل شرکت واحد ابتدا با دروغ‌پردازی قصد داشت، کتمان کند بسیاری از کارگران در مقاطع زمانی مختلف به دلیل بدهی شرکت واحد دفترچه‌های درمانی‌شان تامین اعتبار ندارد و یا دفترچه جدید صادر نمی‌شود و خدمات دریافت گرامت ایام بیماری و ... را با وقفه دریافت می‌کنند و بعضا از درمان بموقع محروم می‌شوند. همچنین کارگرانی که شرایط بازنشستگی در مشاغل سخت و زیان‌آور را کسب کرده‌اند بدلیل بدهی شرکت واحد با تامین اجتماعی باید ماه‌ها حتی تا یکسال در نوبت منتظر باشند تا پس از پرداخت چهار درصد حق بیمه کارگران در مشاغل سخت و زیان‌آور پرداخت شود تا با تاخیر طولانی بتوانند بازنشسته شوند و از آنان بهره‌کشی می‌شود. در یک نمونه آقای محمد خلج به شماره پرسنلی ۵۵۱۳۳ شاغل در توقفگاه نازی آباد (سامانه ۴) نزدیک به دو هفته است که برگه دفترچه بیمه همسرش تمام شده است و برای صدور مجدد دفترچه به شعبه مراجعه کرده اما صدور دفترچه انجام نشده و مددکاری سامانه چهار شرکت واحد نیز هنوز نتوانسته دفترچه برای ایشان بگیرد. مدیرعامل وقتی به خود آمد که نمونه‌های بسیاری از این تناقض گفته‌هایش در مصاحبه با ایلنا با حقیقت شرایط کارگران در مورد بیمه وجود دارد، با هماهنگی با خبرگزاری ایلنا این بخش از مصاحبه خود با ایلنا را حذف کرد. ایلنا که مشخصا از چندین سال قبل کمک مالی از شهرداری دریافت می‌کند، در درج اخبار و گزارش‌هایش که مربوط به شهرداری و سازمان‌های تابعه است، با مدیران شهرداری هماهنگ عمل می‌کند. از این نمونه می‌توان به محدودیت و حذف مصاحبه ایلنا با اعضای شناخته شده سندیکای کارگران شرکت واحد نیز نام برد.

سرنوشت نامه های ارسالی به مقامات!

به اطلاع دوستان می رساند در اعتصاب مرداد ۱۳۹۹ نامه ای به ارگان های ذیربط از جمله رهبری، سران سه قوه، وزارت کار، وزارت نفت و بازرسی کل کشور در رابطه با مشکلات کارگران پروژه ای نامه نگاری شد که ۱۰۰۰ نفر از کارگران پروژه ای با کدملی شان امضا کرده بودند. بازرسی کل کشور اعلام کرد در حیطه وظایفش نیست. دفتر رییس جمهوری و رییس مجلس اصلن جواب ندادند. قوه قضاییه طی تماسی با نماینده کارگران آقای مازیار گیلانی نژاد و پس از پی جویی موضوع آن را به دادستان بوشهر احاله کرد. وزارت نفت با ارسال نامه به بخش های مختلف وزارتخانه اش و تماس های چند باره با نماینده تان آخر سر اعلام کردند به پیمانکاران کوچک نمی توانند دستوری بابت بهبود وضعیت کاری و یا دستمزدهای عقب افتاده بدهند. وزارت کار تهران نیز بارها از بخش های مختلفش با گیلانی نژاد تماس گرفته و با اینکه می گفتند کاری از دستشان بر نمی آید و گیلانی نژاد خواهان پاسخگویی مکتوب شان شد اعلام کردند جوابتان را در نامه ای برایتان ارسال کرده ایم که بعد از ۴ ماه هنوز نامه ای به دست گیلانی نژاد نرسیده است. روز چهارشنبه ۲۴ دیماه از اداره کار بوشهر طی تماسی با گیلانی نژاد در رابطه با نامه به رهبری گفتگویی ۴۵ دقیقه ای شد که طی آن بخشی از مشکلات کارگران به اطلاع مقام مسوول رسید. قرار شد روز دوشنبه آینده تماسی از سوی طرفین گرفته و نسبت به روند پیشرفت شکایت هم اندیشی شود.

از همه دوستان خواهشمندیم در مورد مشکلات کاری خود در پروژه هایی که در حال کار هستند گزارش هایی را برایمان در صفحه شخصی بگذارند تا به اداره کار بوشهر منعکس و پیگیر کار برادران شویم. این گزارشات باید در مورد وضعیت رفاهی کارگاه از سرویس های بهداشتی، حمام، غذا، خوابگاه، سرویس رفت و آمد، وضعیت بیمه، عقب افتادن دستمزد، دستورات بهداشتی رعایت کرونا باشد. منتظر گزارشات شما هستیم.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران و گروه پایپینگ و اکیپ پروژه ای ها

خواسته‌ی ما همینه، زندگی بهینه!



به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، امروز طبق اعلام قبلی ۵ هزار بازنشسته در ۱۶ شهر، قزوین، تبریز، کرمانشاه، بروجرد، مشهد، رشت، نیشابور، کرمان، خرم آباد، ایلام، اهواز، ساری، اراک، اصفهان، بجنورد، تهران تجمع کردند. با آنکه روز قبل نیز تجمع اعتراضی توسط خانه کارگر در مقابل سازمان برنامه بودجه براه انداخته شده بود اما تفرقه ای میان بازنشستگان اتفاق نیفتاد و بازنشستگان از این تجمع نیز استقبال کردند. در تبریز تجمع بازنشستگان با ورود نیروی انتظامی که برای محدود کردن تظاهرات آمده بود، به درگیری لفظی و عقب راندن تجمع کنندگان کشیده شد. در تهران ساعت ۱۰ و نیم جمعیت بازنشستگان که نسبت به تجمع قبل تعدادشان بیشتر شده بود (بیش از هزار نفر) در جلوی وزارت کار حاضر شدند. ابتدا نیروی انتظامی از بستن بنرها ممانعت کرد که با درایت بازنشستگان و گفتگو با افسران نیروی انتظامی این مشکل حل شد. البته نیروی انتظامی به بازنشستگان گفت که به داخل سالن وزارت کار بروند که بازنشستگان اعلام کردند که: «همانطوری که دیروز رییس سازمان برنامه و بودجه به میان تجمع کنندگان آمده است آقای وزیر هم به میان بازنشستگان آمده و حرف بزند» و از رفتن به داخل وزارت کار خودداری کردند. شعارها مثل دفعات قبل درباره معیشت و درمان و انتقاد از متناسب سازی (نه همسان سازی) بود.

شعارها قبل از اینکه جمعیت تکرار کند برای بازنشستگان از سوی تریبون توضیح داده می شد و بعد جمعیت شعار می دادند. خانم روحزنده یکی از مستمری بگیران گفت که: «با حقوق ناچیز زیر یک میلیون چگونه می توان آنهم در گرانی روزافزون زندگی کرد و این همسان سازی نیست» ناصر اسالو در انتقاد از: «خصوصی سازی ها و اینکه دولت شرکت های ورشکسته را به تامین اجتماعی واگذار می کند تا بخشی از بدهی دولت را داده باشند تا تامین اجتماعی زمینگیر شود بطور نمونه هپکو که بیش از ۱۲۰۰ میلیارد تومان بدهی دارد که سازمان خصوصی سازی ببار آورده و انصاف نیست سازمان تامین اجتماعی بپردازد و دولت باید اشتباه خود را از جیب مدیرانش پرداخت کند نه جیب بازنشسته ها همچنین پرداخت بدهی دولت به سازمان در بودجه جاری، لزوم متناسب سازی تا قبل از پایان سال ۱۳۹۹، شفاف سازی تامین اجتماعی تا معلوم شود شما که بودجه کافی ندارید چرا به مدیران سازمان و شستا حقوق های میلیونی و پاداش های آنچنانی و وام های کلان بدون بازگشت می دهید. در واقع اساس سیاست های شما ظلم به اکثریت است. چرا از بودجه دولت بدهی سرمربی تیم ملی پرداخت نشده است و دست در جیب بازنشستگان و بیمه شده ها شده است و هنوز هم این پول به صندوق سازمان تامین اجتماعی برنگشته است بعد می گویند برای همسان سازی پول نداریم پول خودمان را به خودمان بدهید تا حقوق بازنشسته ها افزایش یابد» دیگر سخنرانان خواستار تأسیس بیمارستان ها و درمانگاه های ملکی سازمان شدند. بازنشسته دیگر می گفت: «من از کار افتاده چگونه باید خرج یک خانواده ۴ نفره را با ۲ میلیون و ۶۰۰ تامین کنم بعد با این حقوق سازمان تامین اجتماعی خدماتش را هم برایمان کاهش داده است (بطور مثال خروج سیصد قلم دارو از پوشش بیمه شده، منجمله آمپول قند)». سخنرانان از اجرا نشدن قانون ساختار که تا حدودی شفافیت را برای سازمان رقم می زند و از سال ۸۴ با اینکه همه مسوولین آن را امضا کرده اند با دخالت مافیا اجرایی نشده است. همچنین از همبستگی فرهنگیان و بازنشستگان صندوق کشوری که برای اتحاد در این تجمع شرکت کرده بودند سپاسگزاری شد. تعدادی از شعارها بشرح ذیل بود:

خواسته ی اصلی ما / حقوق طبق تورم - تنها کف خیابون / بدس میاد حقمون - خواسته ی ما این زمان/ معیشت است و درمان - خواسته ی ما همین/ زندگی بهینه - گرانی، تورم / بلای جان مردم - خط فقر ده میلیون / حقوق ما دو میلیون - هزینه ها دلاریه / حقوق ما ریالیه - تاحق خود نگیریم / از پا نمی نشینیم - این همه بی عدالتی هرگز ندیده ملت - صندوق بازنشسته / چرا به گل نشسته - بدهی سازمان پرداخت باید گردد - بازنشسته بیدار است / از تبعیض بیزار است - فریاد، فریاد / از این همه بیداد - حقوق های نجومی/ فلاکت عمومی - کشتی بازنشسته/ دیگه به گل نشسته - حق و حقوق ما را / دولت بالا کشیده - مسوولین بی کفایت / استعفا استعفا - اختلاس ها قطع بشه / مشکل ملت حل میشه - تعدیل اقتصادی / بیکاری فلاکت - آموزش رایگان / حق مسلم ماست - درمان رایگان

حق مسلم ما است - کار خصوصی سازان / چپاول است و غارت - اتحاد اتحاد / رمز پیروزی است

در ساعت ۱۱ و سی دقیقه قطعنامه توسط ناصراسالو قرائت شد که بند بند آن با ابراز احساسات حاضران تایید گردید. سپس توسط قریب به اتفاق حاضران امضاء و جهت رویت و پاسخگویی وزیر محترم کار تحویل دبیرخانه ی وزارتی در طبقه نهم گردید. بازنشستگان با سر دادن شعار «تا حق خود نگیریم از پا نمی نشینیم» به ادامه مبارزه خود تا کوتاه کردن دست سوداگران سود پرست از منابع مالی صندوق تامین اجتماعی تاکید نمودند .

تجمع در ساعت ۱۲ خاتمه یافت!

متن بیانیه پایانی تجمع ۷ بهمن ۱۳۹۹ که به شماره ی ۲۰۵۱۹۸ در دبیرخانه ی وزارتی وزارت کار ، رفاه و تامین اجتماعی ، جهت اطلاع و پاسخگویی وزیر ثبت شده است.

بنام خدا

با توجه به افزایش سرسام آور همه ساله هزینه های زندگی و عدم افزایش حقوق بازنشستگان براساس افزایش هزینه های زندگی منطبق بر ماده ۹۶، و وضعیت بد معیشتی بازنشستگان و مستمری بگیران هر روز بیشتر از روز قبل رو به وخامت گذاشته، اما دولت همچنان از پرداخت بدهی خود به صندوق بازنشستگان تامین اجتماعی که بالغ بر ۳۴۰ هزار میلیارد تومان است علی الرغم بند الف ماده ۱۲ قانون برنامه ششم توسعه، خودداری می نماید. این درحالی است که هیچ مسئولیتی هم در قبال سازمان تامین اجتماعی برعهده نمیگیرد و روسای کانون عالی کارگری و نمایندگان مجلس نیز علیرغم تمامی وعده هایی که داده اند نتوانسته اند مطالبات ما را تا اجرایی شدن آنها پیگیری نمایند. ما بازنشستگان امروز در اینجا جمع شده ایم که یکبار دیگر با صدای بلند مطالبات قانونی و مشروع خود به شرح زیر را بیان کرده و خواهان اجرای فوری آنها شویم:

خواسته اصلی بازنشستگان:

-اصلاح متناسب سازی از ابتدای سال ۱۳۹۹ بر اساس افزایش نسبت همسانسازی بازنشستگان کشوری و لشکری از محل تنمه ۳۳ هزار میلیارد تومان و اضافه کردن بر پایه حقوق مستمری درحکم بازنشستگان

-دائمی نمودن قانون متناسب سازی در احکام و فیش حقوقی بازنشستگان

۱- براساس ماده ۹۶ قانون تامین اجتماعی، درصد افزایش حقوق بازنشستگان باید یکسان بوده و هریک از این بازنشسته‌ها به تناسب پرداخت حق بیمه از افزایش حقوق برخوردار شوند؛ سازمان تامین اجتماعی تا قبل از پایان سال ۱۳۹۹ مکلف به افزایش و ترمیم عقب ماندگی حقوق بازنشستگان هم‌تراز با نرخ تورم و افزایش هزینه های زندگی و خط فقر است که الان به ده میلیون تومان رسیده است از ابتدای سال ۱۳۹۹ می باشد. ۲- سازمان تامین اجتماعی طبق ماده ۵۴ قانون تامین اجتماعی مسئول تامین درمان کامل بازنشستگان بیمه پرداز اجباری به طور مستقیم است و ما خواهان اجرایی شدن این ماده قانونی هستیم. ۳- ما خواهان اجرای بند (ب) ماده ۱۲ برنامه ششم توسعه اقتصادی هستیم که سازمان تامین اجتماعی را مکلف به متناسب سازی حقوق بازنشستگان و مستمری بگیران بر اساس افزایش هزینه زندگی و همانند بازنشستگان کشوری و لشکری می نماید می باشیم. ۴- ما خواهان رفع تبعیض بین بازنشستگان همکار و غیرهمکار سازمان تامین اجتماعی و لغو ماده ۶۹ آیین نامه استخدامی سازمان تامین هستیم. ۵- ما خواهان پرداخت عیدی برابر با شاغلین کارگری به میزان ۲ ماه مستمری به بازنشستگان و مستمری بگیران سازمان تامین اجتماعی هستیم. ۶- سازمان تامین اجتماعی مسئول اجرای وظایف حمایتی و دولتی از گروه های حمایتی نمی باشد. و باید هزینه های حمایتی از گروه های حمایتی را از دولت اخذ نماید و نباید از دسترنج بازنشستگان و شاغلان بیمه پرداز برای گروه های حمایتی هزینه گردد. لذا لازم است از این گونه اهمال کاری ها جلوگیری شود. ۷- سازمان تامین اجتماعی موظف است به وضعیت از کار افتادگان و مستمری بگیرانی که در شرایط سخت مالی بسر می برند و توان اداره امور خود و انجام شغل دیگری را ندارند رسیدگی نموده و مشکل معیشتی و بیمه آنها را حل نماید. ۸- با اینکه در آذر ماه وعده داده شده بود که افزایش مستمری مشاغل سخت و زیان آور بابت ۴ درصد پرداختی، انجام می شود اما این کار صورت نگرفته و می بایست که بابت مشاغل سخت و زیان آور این افزایش صورت بگیرد. ۹- ما خواهان اجرای بند ج ماده ۱۱۲ قانون برنامه پنجساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و پرداخت حق منطقه جنگی بازنشستگان سازمان تامین اجتماعی در مناطق جنگی هستیم. در پایان بر دو نکته می‌خواهیم تاکید کنیم:

یکم : هر گونه اظهار نظر غیرکارشناسانه و غیرقانونی از جانب برخی مسئولین و یا مجریان صداوسیما در مورد حقوق بازنشستگان را محکوم کرده و از آنها می‌خواهیم در بیان مطالب دقت نظر لازم را مبذول کنند. دوم: در صورتی که به خواسته های فوق ترتیب اثر داده نشود حق تجمع و اعتراض مجدد برای بازنشستگان و مستمری بگیران محفوظ است.

بازنشستگان و مستمری بگیران تامین اجتماعی هفتم بهمن ماه ۱۳۹۹

حق خود را می خواهیم!



بیش از ۴۰۰۰ بازنشسته در سراسر کشور یکشنبه ۲۱ دی ماه ۱۳۹۹ با اعلام قبلی که از سوی گروههای بازنشستگی اعلام شده بود، تجمع کردند. بازنشستگان در تهران حتا قبل از ساعت موعود (۱۰ و نیم صبح) در جلوی مجلس شورای اسلامی جمع شده بودند. به جز تهران در ۱۸ شهر، رشت، قزوین، کرج، کرمانشاه، مشهد، شوش، همدان، اراک، بروجرد، شیراز، اصفهان، اهواز، اسفراین، ایلام، خرم آباد، تبریز، کرمان بازنشستگان در مقابل استانداری ها تجمع کردند. در تهران بیش از ۶۰۰ نفر در این تجمع شرکت کرده بودند که این خود یک امر بی سابقه ای بود. تفاوت این تجمع با تجمعات سابق بر این انسجام بهتر و تقسیم وظایف بود. از خود حضار برای انتظامات داوطلب شدند و میکروفون و بلندگو خریداری شده بود. همه مرد و زن با شور و شوق شعارها را تکرار می کردند. علاوه بر شعار چند نفر از بازنشستگان، خانم لشگری و یک خانم دیگر، آقای غلامی بازرس علی البدل کانون بازنشستگان تهران، ناصر اسالو از بازنشستگان فلزکار مکانیک، داوود رضوی، بازنشسته شرکت واحد، ناصر آعاجری بازنشسته پروژه های نفت و گاز سخنرانی و مشکلات را برای دیگران مطرح نمودند. بیشتر سخنرانی ها پیرامون عدم تطابق مستمری ها با هزینه زندگی، مخالفت با فساد و اختلاس، مخالفت با نوع اداره هیات امنایی تامین اجتماعی، عدم شفافیت و تصمیم گیری

بر علیه منافع بازنشستگان (نظیر پرداخت دستمزد مربی تیم ملی ویلموتس توسط تامین اجتماعی که هیچ ربطی به وظایف و حیطة عمل سازمان ندارد) مخالفت با خصوصی سازی و آوردن شستا در بورس بود. آقای غلامی اعلام کردند که: «مستمری ها نباید طبق تورم بلکه بر اساس هزینه خانوار و حداقل بالای خط فقر اعلامی باشد» ناصر اسالو نیز در مورد خصوصی سازی و اینکه: «این خصوصی سازی ها فقط برای تصاحب زمین این واحدها و گرفتن وام های نجومی که هرگز پرداخت نخواهد شد و باعث بسته شدن واحدهای تولیدی می شوند، است و کارگران این واحدها به بیمه بیکاری روی آورده هزینه های سازمان تامین اجتماعی بیشتر می گردد». او در بخشی دیگر از سخنانش در مورد بحران موجود در تامین اجتماعی گفت: «وقتی کارگاههای زیر ده نفر از شمولیت قانون خارج می شوند بی تردید درآمدهای تامین اجتماعی هم کم می شود وقتی مناطق آزاد را از قانون کار معاف می کنید صدها هزار کارگر بیمه پرداخت نکرده و باز هم درآمدهای تامین اجتماعی کاهش می یابد. وقتی طلبه و خادم مسجد و هزاران فرد دیگری که باید با خرج دولت اداره شوند را بدون ضابطه وارد تامین اجتماعی می کنید بار هزینه ای را به تامین اجتماعی تحمیل کرده اید. وقتی دولت بدهی اش را به تامین اجتماعی نمی پردازد به این بحران دامن می زند» داوود رضوی گفت: «از این مجلس انتظاری نیست فقط باید متحد بود تا وضعیت مان تغییر کند» در ادامه تظاهرات، نماینده ایلام آقای بسطامی که در کمیسیون تلفیق بود در تجمع حاضر شد و اظهار همبستگی با حاضرین کرد و گفت متأسفانه همسان سازی در بودجه رد شده است که با مخالفت حاضرین روبرو شد. بازنشسته ها به او گفتند که ما همبستگی تو را نمی خواهیم باید مشکل مان را حل کنی. برخی شعارها:

خواسته بازنشسته/ حقوق طبق تورم - خواسته اصلی ما / حقوق طبق تورم - عیدی چرا کارمندیه/ وقتی که ما کارگران - گرانی تورم / بلای جان مردم - تا حق خود نگیریم/ از پا نمی نشینیم - شعار ما این زمان/ معیشت است و درمان - بازنشسته بیدار است/ از تبعیض بیزار است - حقوق ما سه میلیون/ خط فقر ده میلیون - طلب های سازمان پرداخت باید گردد - اختلاصا قطع بشه/ مشکل ما حل میشه - بیمه های تکمیلی/ دزد سر گردنه

شعارهای حمل شده توسط بازنشسته ها:

همسان سازی حقوق بازنشسته های تامین اجتماعی با کشوری و لشکری - پرداخت بدهی دولت به سازمان تامین اجتماعی - درمان رایگان و کارآمد، نه بیمه تکمیلی - منزلت، معیشت، حق مسلم ماست - درمان رایگان، نه بیمه تکمیلی - اجرای دقیق ماده ۹۶ - ابطال ماده ۶۹ - حذف ۲ درصد ماده ۸۹ - اجرای دقیق ماده ۱۱۱ - عیدی بازنشسته همانند عیدی کارگران باشد - کارگر بازنشسته تامین اجتماعی، زیر خط مرگ. در خاتمه ساعت ۱۲ و نیم قطعنامه خوانده شد.

سودجویی به هر طریق!



مؤسسات کاریابی که جواز تاسیس خود را از وزارت کار، رفاه و تعاون دریافت می کنند، در ازای کاری که برای هر کارگری پیدا می کنند علاوه بر دریافت مبلغی ثابت که معمولاً ۳۰ هزار تومان برای جهت ثبت نام است، پس از پیدا کردن کار برای کارگر نیمی از اولین دستمزد این کارگران را برای خود برداشت می کنند که قول خودشان اجرت این خدمات است. البته این کاریابی هیچگاه تضمین نمی کند که کارگر حتمناً حداقل یکسال کار خواهد کرد، چون دیده شده کارگر حتی بعد از اولین دریافت حقوق بیکار شده و مجدداً باید برای پیدا کردن کار در این بنگاههای کاریابی ثبت نام کرده باز هم پول بدهد. ضروریست عملکرد این نوع کاریابی ها و چرخه عایدات آنها شفاف سازی و همچنین عملکردشان به اطلاع عموم برسد که از ۱۰۰ کارگری که شاغل کرده اند چند درصد حداقل در آن شغل مانده اند.

تامین اجتماعی در اسناد سازمان ملل متحد!

اصل ۵۵ منشور به سازمان ملل متحد ماموریت داده است تا برای ارتقای سطح زندگی و شرایط پیشرفت و توسعه اقتصادی و اجتماعی فعالیت کند. بر همین اساس سازمان در سال ۱۹۴۲ در سانتیاگو پایتخت شیلی کنفرانس بین المللی تامین اجتماعی را برگزار کرد و توصیه هایی به منظور تعمیم و توسعه تامین اجتماعی ارائه داد. در همین راستا- اعلامیه جهانی حقوق بشر که از ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ - از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد صادر شد در ماده ۲۲ خود اصلی را مقرر می دارد که بر طبق آن هر کس به عنوان عضوی از جامعه حق برخورداری از تامین اجتماعی را دارد. ماده ۲۳- این اعلامیه بر حق کار حق به دست آوردن درآمد منصفانه حق عضویت آزاد در سندیکاهای و اتحادیه ماده ۲۵- اعلامیه نیز مقرر می دارد هر کس حق دارد از سطح زندگی مناسبی برای تامین بهداشت و رفاه خود و خانواده اش به ویژه از خوراک، پوشاک، مسکن، مراقبت های پزشکی و دیگر خدمات اجتماعی مناسب برخوردار باشد. همچنین به هنگام بیماری، بیکاری، طلاق و پیری یا دیگر شرایطی که فرد به عللی خارج از اراده انسان از وسایل امرار معاش محروم می شود باید از شرایط آبرومندانه زندگی برخوردار شود - اصل ۲۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی برخورداری از تامین اجتماعی از نظر بازنشستگی، پیری، بیکاری و از کار افتادگی، بی سرپرستی، در راه ماندگی و حوادث و سوانح نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت ها از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت های مالی فوق را برای یکایک افراد کشور تامین کند. باید بکوشیم از محل درآمدهای عمومی، دولت را واداشت تا وظایفش را در قبال بهبودی وضعیت معیشتی مردم انجام دهد.

پیش به سوی احیای سندیکاهای و اتحادیه کارگری با هدف ارتقا بخشیدن به سطح زندگی عموم مردم و ریشه کن کردن فقر

**بازنشستگان سندیکای بافنده سوزنی تهران و بازنشستگان
فلزکار مکانیک**

“شنیدن کی بود مانند دیدن”



باید به روستاها رفت، باید در بین کشاورزان بود، باید از نزدیک مشکلات کشاورزی را لمس کنی تا متوجه شوی کار کشاورزی در ایران به چه روزی افتاده و چه آینده ای در انتظار آن است. به نظرم کشاورزی و کشاورزان دارند نفسهای آخر را می کشند و اگر وضعیت به همین منوال پیش برود روز به روز به تعداد کوچندگان روستایی به سمت شهرها و یا بهتر است بگویم حاشیه ی شهرها اضافه می شود و بیش از پیش روستاها خالی از سکنه خواهد شد. کشاورزی ای که قرار بود اساس استقلال کشور گردد به روزی افتاده که گاه از پس هزینه های سرسام آور خود بر نمی آید. از کارگر فقیرتر و بی حقوق تر و بی پناه تر کشاورز است. کشاورزان حالشان خوب نیست زیرا:

۱- بی توجهی کامل دولت به مشکلات کشاورزی و کشاورزان هم در حوزه کشاورزی شامل تامین ماشین آلات و ادوات کشاورزی، سموم، کود، تسهیلات به موقع و کافی، آموزش و... هم در حوزه رفاهی شامل تامین آب، برق، بهداشت، مدرسه، اینترنت، جاده، جلوگیری از آسیبهای طبیعی و.....

۲- گرانی ادوات و ماشین آلات کشاورزی.

۳- گران بودن سرسام آور انواع کود و سموم.

مثال: پاییز سال ۹۸ کود پتاس برای باغات پسته کیسه ای ۹۰ هزار تومان بوده که پاییز سال ۹۹ به ۵۴۵ هزار تومان جهش پیدا می کند. یعنی بیش از ۶۰۰ درصد افزایش. عجیب اینکه این کود از طریق جهاد کشاورزی توزیع می شود و روی کیسه ها قید گردیده

که فروش آزاد آن پیگرد قانونی دارد. عجیب تر اینکه در سال ۹۸ در ازای ۶ ساعت حق آب یک کیسه کود به کشاورز می دادند ولی در سال ۹۹ در ازای ۱۲ ساعت یک کیسه سهمیه در نظر گرفته می شود (ساعت آب براساس یک دوره ۳ یا ۱۴ روزه کشاورز چند ساعت آب صاحب است) و یا سم تا لیتری یک میلیون تومان هم وجود دارد که مورد نیاز باغداران است.

۴- نقش مخرب دلالان در خرید محصولات کشاورزی و بی تفاوتی دولت در این امر مهم. این بی تفاوتی در حدی است که دلال تعیین کننده است در قیمت گذاری خرید محصولات از کشاورز و فروش آن با قیمت چند برابر خرید که در این خصوص گندم یک استثناء است.

۵- کم رنگ شدن نقش تعاونی های روستایی در تأمین نیازهای کشاورزان و خرید به موقع محصولات با نرخ عادلانه از کشاورز و توزیع آن با قیمت مناسب در بین مصرف کننده و کوتاه کردن دست دلالان.

۶- کشاورزان به دلیل پراکندگی و جمعیت کم روستایی و کوچ جوانان تحصیل کرده به سمت شهرها، از هیچگونه تشکلی که آنها را آگاه و متحد نماید برخوردار نیستند و این پراکندگی، سطح توقع آنها را بسیار پایین آورده است. بارندگی آذرماه ۹۹ باعث جاری شدن سیل در بعضی روستاهای اطراف ابرکوه از استان یزد شد. روستاییان بدون اینکه منتظر باشند یا امیدی داشته باشند که نهادی و یا سازمانی به کمک آنها بیاید خود با امکانات اولیه مثل بیل و تراکتور مسیر سیل را تغییر دادند تا به خانه ها و باغاتشان آسیبی نرساند.

۷- متأسفانه شوراهای اسلامی روستایی نیز اکثرن نقشی در کم کردن مشکلات روستاییان ندارند که هیچ بلکه بیشتر اوقات به مجریان سیاستهای ضد کشاورز نهادها و مسئولان تبدیل می شوند.

۸- با این همه مشکلات و نارسایی ها و بی توجهی مخرب مسئولان و نهادها و سازمانها ی مرتبط با کشاورزی و روستائیان، برنامه هایی نیز برای دست در جیب کشاورز کردن هم دارند.

کشاورزی تعریف می کرد که ساکنان روستای ما صاحب زمین هایی در حومه روستا هستند که سند رسمی و قطعی از زمان قبل از انقلاب در دست دارند ولی به دلیل بی آبی و ندادن مجوز حفر چاه، کشت روی آنها صورت نمی گیرد و به این بهانه منابع طبیعی دست روی آنها گذاشت که این زمین ها جزو منابع طبیعی گردد اما با وساطت شورای اسلامی

قرار شده با پرداخت وجهی دوباره به صاحبانش برگردانده شود. یعنی زمین خودشان را به خودشان بفروشند.

۹- در موقع انتخابات نمایندگان یادشان می افتد که روستاییان از چه مشکلات و نارسایی هایی رنج می برند و با دست گذاشتن روی آنها و با وعده ی برطرف کردن مشکلات و کمبودها مردم را تشویق به رای دادن می کنند و پس از انتخاب شدن دوباره در بر روی همان پاشنه خواهد چرخید و روستاییان تنها می مانند با مشکلاتشان.

خلاصه کلام این که تحریمی که آمریکا بر علیه ایران وضع نموده دولت بر علیه روستاییان به کار می گیرد. به طور مثال:

بیشتر روستاهای استان کرمانشاه در مناطق سردسیری واقع گردیده به همین خاطر در فصل سرما سوخت نقش حیاتی در زندگی آنها دارد. بگذریم از اینکه سالهاست که وعده ی گازکشی می شنوند ولی هنوز در خیلی از روستاها اجرایی نگردیده است اما بدتر اینکه نفت و گاز مایع را نیز برای آنها سهمیه بندی شده یعنی برای هر خانوار در ماه ۳۰۰ لیتر نفت ۲ کیپسول ۱۱ کیلویی گاز مایع، که این سهمیه به هیچ وجه جوابگوی احتیاجات گرمایشی و پخت و پز آنها نیست. در نتیجه مجبورند کمبود سوخت را از طریق آزاد و با قیمت هنگفت جبران نمایند.

باید تأکید نمود که این منوال رو به روز بیشتر اقتصاد کشاورزی را به سمت ورشکستگی و نابودی می راند.

کشاورزی در ایران به برنامه ای مدون، علمی و کارشناسی شده و حمایت جدی دولت در رفع نیازمندیهای بخش کشاورزی نیازمند می باشد.

باید نقش دلالتان را در اقتصاد کشاورزی کوتاه و تعاونی های تولید و توزیع را احیاء نمود و گسترش داد.

باید دانش روز کشاورزی را به کشاورزان آموزش داد.

باید جوانان روستایی را به آموختن علم کشاورزی کاربردی رهنمون و زندگی مناسب را در روستا برای آنها فراهم نمود.

باید ادوات کشاورزی و ماشین آلات، بذر، سموم و کود به اندازه کافی و با قیمت مناسب و با مساعدت مالی دولت در اختیار کشاورزان قرار گیرد.

باید بهداشت، درمان، آموزش، امکانات ارتباطی از جمله اینترنت که حق روستائیان است برای آنها فراهم گردد.

اگر این اقدامات صورت پذیرد و در کل به نیازهای روستائیان و تأمین آنها توجه جدی و کافی گردد قطعاً هم کشاورزی رشد خواهد داشت و هم گامی است در جهت خودکفایی و قطع وابستگی به خارج و مهمتر اینکه از مهاجرت روستائیان به سمت شهرها جلوگیری و حتمن سمت کنونی مهاجرت برعکس خواهد شد و در نتیجه از مشکلات شهرنشینان هم بسیار کاسته خواهد شد. "گوشی شنوایی آرزوست"

محمد اکبری

عیدی و این همه دغلبازی

در رابطه با موضوع مطرح شده که وقتی حقوق اضافه میکنند ما کارگریم وقتی میخواهند عیدی تعیین کنند ما کارمندیم یاد آشنایی افتادم که بی شباهت به این موضوع نیست این بنده خدا یک دستگاه وانت دو کابین دارد مالیات سالانه را طبق مالیات وانت میپردازد وقتی میخواهند سواریهها را جریمه کنند چون ماشین ایشان دو ردیف صندلی دارد سواری حساب میشود در موقع توزیع لاستیک بین وانتهای ماشین ایشان سواریست در موقع پخش لاستیک بین سواریهها ماشین ایشان وانت است خودش معتقد است شتر گاو پلنگ است در مواردی نیز میگوید شتر مرغ میخواهم بپریم میگویند شتری میخواهم راه برم میگویند مرغی چرا نمیبیری؟ خلاصه دوستان حالا وضعیت کارگران است موقع کار کاملاً کارگرند موقع افزایش حقوق کارکنند موقع تعیین عیدی مخصوصاً بعد از بازنشستگی کارمندند خلاصه شتر گاو پلنگند

محمد تقی مطیعی بازنشسته فلزکار مکانیک



مدیران استان کرمان به صف شده اند چند عدد تبلت به چند دانش آموز تنگ دست بدهند. در حالیکه عموم مردم به نظاره نشسته اند. درست در پیش چشم دوربین.

هزینه این نمایش تهوع آور، آسیب عمیق به عزت نفس کودکان است. حتا در خلوت هم رسم کمک این نیست، چه رسد به جلوت.

این گونه برنامه ها حقارتی را آبیاری می کنند که ریشه در درون خود آقایان دارد اما متأسفانه میوه گندیده آن نصیب کودکان معصوم و بی پناه می شود. تبلت را بدهید به آقا زاده های خودتان. ما را با بچه هایمان تنها بگذارید.

دیگر توان پرداخت اجاره خانه ندارم!

معصومه حدود ۵۰ ساله، اهل مهاباد، ساکن ارومیه و دارای ۲ فرزند دختر است. او که سال‌هاست از بیماری دیسک کمر و قفسه سینه رنج می‌برد، به تازگی همسرش را بر اثر سکته قلبی از دست داده است و اکنون جز خودش، کسی نان‌آور خانه نیست. او یکی از همان زنانی است که باید در کنار تأمین مخارج اولیه یک زندگی سه نفره، ماهیانه مبلغ ۳۵۰ هزار تومان اجاره خانه پرداخت کند: «از سال‌ها پیش، همسرم به دلیل بیماری قلبی و آسم توان هیچ کاری را نداشت و در گوشه‌ای از خانه افتاده بود. از همان موقع، چاره‌ای جز نظافت منازل مردم نداشتم. با دیسک کمر و آرتروز زانو، مشغول شست‌وشوی فرش و اسباب‌کشی منازل مردم هستم تا بچه‌هایم گرسنه نمانند».

او می‌گوید: «ویروس کرونا تأثیر مستقیمی بر زندگی‌مان داشته و درخواست برای کار منازل بسیار کمتر از قبل شده است. من و فرزندانم مدت‌هاست رنگ گوشت ندیده‌ایم. زنی ۵۰ ساله با دو فرزند هستم که هیچ پس‌اندازی نداریم و اگر حمایت و کمک‌های آشنایان و اقوام نباشد، ادامه دادن یک ساعت این وضعیت برای‌مان غیرممکن است».

به گفته معصومه، او از هشت ماه پیش توان پرداخت کرایه خانه را نداشته و در طول این مدت بارها برای تخلیه از سوی صاحبخانه تحت فشار و اهانت قرار گرفته تا جایی که صاحبخانه تهدید کرده که هر ماه مبلغی را به عنوان جریمه از پول پیش خانه برمی‌دارد، چون می‌داند نه قانونی وجود دارد و نه ما کسی را داریم که از حق‌مان دفاع کند.

معصومه که این روزها بیماری‌اش شدت پیدا کرده است، می‌گوید چندی پیش، پول دارو و ویزیت دکتر متخصص در ارومیه را از همسایه‌شان قرض گرفته است.

این دسته از زنان که محتاج کسب درآمد برای امرار معاش خود و خانواده‌های‌شان هستند ناگزیر از تن دادن به هر شغل کم‌درآمد و شرایط سخت کار می‌شوند. این زنان کارگر از هیچ‌گونه حمایت قانونی، مزایا، بیمه کاری و امنیت شغلی برخوردار نیستند و با دستمزدهای بسیار کم به کار گرفته می‌شوند و بیشترین آسیب‌های اشتغال در حوزه زنان کارگر شامل این دسته از زنان می‌شود که بدون عقد قرارداد مجبور به کار می‌شوند.

بر اساس آمار اعلام شده توسط مؤسسه‌های مالی سازمان پژوهشی تامین اجتماعی در سال ۱۳۹۶ حدود ۸۰ درصد شاغلان بدون بیمه سهم زنان بوده‌اند که شامل مشاغل خانگی و کارگاه‌ها می‌شود.

اما در بین این زنان کارگر، کسانی وجود دارند که «دارای معلولیت» هستند و این افراد نه تنها از هیچ‌گونه قوانین حمایتی برخوردار نیستند بلکه به شیوه‌های مختلف در محیط کار مورد تحقیر و نادیده گرفتن حق و حقوق‌شان از سوی کارفرمایان قرار می‌گیرند و یکی از آسیب‌پذیرترین نیروی کار در بازار کار محسوب می‌شوند.

هیچ نهادی ما را تحت پوشش خود قرار نمی‌دهد

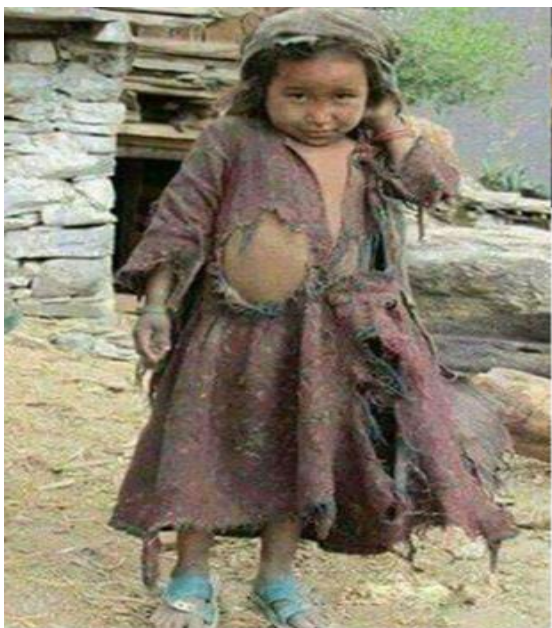
مہتاب ۳۰ ساله، مجرد و اهل یکی از شهرهای کوچک به نام آبخش از توابع بوشهر است. او کم‌شنوا و خواهرش نیز دارای معلولیت (ضایعه نخاعی) است. مہتاب در نبود پدرش با خواهر و مادرش در یک خانه کوچک در شهر آبخش زندگی می‌کنند. او به همراه مادرش بخشی از تامین حداقل هزینه‌های زندگی را بر عهده گرفته و به عنوان «اتوکار» در یک خیاطی مشغول به کار است.

او درباره وضعیت خود می‌گوید: «در کنار رفتار و نگاه‌های سنگین برخی از مردان، بزرگ‌ترین معضلی که به عنوان یک زن شاغل با آن دست و پنجه نرم می‌کنم، شرایط جسمی‌ام است، به خاطر اینکه هیچ نهادی ما را تحت پوشش خود قرار نمی‌دهد و با شرایط کنونی هر روز وضعیت معیشتی‌مان وخیم‌تر می‌شود و حقوق کاری‌ام حتی یک دهم زندگی ما را پوشش نمی‌دهد».

به گفته مہتاب، تمام این معضلات نتیجه نبود قانونی صحیح در جهت رسیدگی و اشتغال‌زایی برای افراد دارای معلولیت است و زمانی وضعیت و ادامه زیست برای این افراد بغرنج‌تر می‌شود که در یک محیط کاملاً بسته و کوچک و یا روستا باشند؛ جایی که حتی برای افراد سالم هم امکانات و کوچک‌ترین بستر شغلی مناسبی وجود ندارد.

مریم، معصومه و مہتاب نمونه‌هایی از زنان کارگری هستند که سوای مواجهه با مشکلات فراوانی مانند تبعیض جنسیتی و تعرض جنسی در محل کار، همواره از قربانیان اصلی بحران‌های اقتصادی هستند و علاوه بر اینکه از نیروهای کار ارزان قیمت برای کارفرمایان محسوب می‌شوند، در صف نخست تعدیل نیرو نیز قرار دارند.

سرت را بالا بگیر



دخترم سلام،

سرت را بالا بگیر. تو نه دزدی کردی، نه دروغ گفتی و نه غمی بر غم‌های دیگران افزودی.

تو گناهی نداری جز اینکه در سرزمینی افسون‌زده به دنیا آمده‌ای. همان قدر که تو از کفش و لباس پاره‌ات خجالت می‌کشی، من از اشکی که نمی‌ریزم و فریادی که در گلو ندارم و غمی که سینه‌ام را به آتش نمی‌کشد، شرمسارم.

دخترم، سرت را بالا بگیر. آفتاب، فردا به امید لبخندی که بر لبان تو ببیند، طلوع می‌کند. ناامیدش نکن. **زنده یاد رضا بابایی**



علی اصغر عنابستانی، نماینده مجلس شورای اسلامی با خودروی دناى خود وارد خط ویژه می شود. خط ویژه مسیر تردد اتوبوس ها و خودروهای امدادی است و تقریباً ترافیکی ندارد. سرباز راهنمایی و رانندگی که مأمور جلوگیری از ورود خودروهای متفرقه به خط ویژه است، جلو او را می گیرد و این نماینده نیز به صورت او سیلی می زند. **حامد اکبری** سربازی که امروز از نماینده‌ی مجلس سیلی خورد، پدرش کارگر ریسندگی‌ست و مادرش تا یک‌هفته قبل که بیکار شود در یک فروشگاه کار میکرده!

اربابها نشسته اند سر سفره ی انقلاب و سیلی بر رعیت مستضعف می زنند
سهیل محمودی شاعر معروف می گوید:

بنده بارها گفته‌ام؛ وسط خلافهای طهران بزرگ شده‌ام.

یکی از قواعد داش‌مشدیهای در برخوردارهاشون این بود که زدن آژان نوعی ابهت و شکوه و سربلندی داشت و طرف پای جرمش هم می‌ایستاد و تاوان می‌داد. اما زدن سرباز، هرگز... غیر ممکن بود.

هیچ گردن‌کلفت و مشدی و داشی به خودش اجازه ی زدن سرباز را نمی داد و معمولاً می گفتند:

این بچه‌ی مردمه و غریبه و خدا واسه ننه باباش نیگهش داره.

شوفر تاکسیهای تهران هم در تاریکی صبح از سربازی که می‌خواست برود پادگان تا برسد به صبحگاه کرایه نمی‌گرفتند.

اگر در قهوه‌خانه‌ای جمعی یا اتوبوس مسافری، بچه‌های تهران، سربازی را می‌دیدند اول همه سیگار را به او تعارف می کردند.

رسم و قاعده داشت خیلی چیزها...

لعنت بر این روزگار بدون رسم و قاعده و به دور از فتوت و مروت.



اینجا مثلاً دبستان است!

یک نفر در توصیف این تصویر نوشت: «اگه فاقد تابلو و پرچم بود، امکان نداشت حدس بزنی که مدرسه ست! دبستان روستای "چال انجیر" بخش چلو در شمال خوزستان! از انقلاب، نامش به مستضعفین رسید و نانش به گردن کلفت‌ها.

کاش بچه های این مدرسه هم برق و نت داشتند

نگاهی به روند جنبش کارگری و سندیکایی در ایران! (۱)



از آمدن اندیشه های کارگری به کشورمان که با نگارش نخستین مقاله در معرفی سوسیالیسم در سال ۱۲۵۹ رخ داد، یکصد و چهل سال می گذرد. بذرهایی که در اندیشه های زحمتکشان جوانه زد و در کشورمان ریشه دواند. پس از ۲۶ سال از پاشیده شدن این بذرها، جنبش سندیکایی با تشکیل اولین اتحادیه کارگری در یک چاپخانه توسط زنده یاد محمد پروانه در سال ۱۲۸۵ متولد شد و تا امروز عمری ۱۰۴ ساله دارد. در طی این دوران اندیشه های راهبردی سندیکایی دستخوش تغییرات زیادی شده است. از اندیشه های متأثر از کارگران ایرانی شاغل در باکو تا اندیشه های سیدمحمددهگان رهبر اتحادیه مرکزی کارگران تهران در سال ۱۳۰۱ و اندیشه های موسسین شورای متحده مرکزی زحمتکشان در دهه ۱۹۲۰ و سپس اندیشه های رهبران سندیکایی جان بدر برده از کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲. در همه این دوران طبقه کارگر با دادن تلفات بسیار دستاوردهای مهمی را کسب کرد. از همه مهمتر رابطه فعال بین جنبش کارگری و سندیکایی با احزاب طبقه کارگر رخ داد و باعث بالندگی هر دو سوی این پدیده گردید. کسب قانون کار، تامین اجتماعی، حق داشتن سندیکا را می توان دستاورد رابطه دو طرفه جنبش کارگری و سندیکایی و احزاب طرفدار طبقه کارگر دانست.

اوایل دهه هشتاد رهبران قدیمی جنبش سندیکایی برخاسته از خاکستر ۲۸ مرداد به این درک رسیدند که باید به یاری جنبش کارگری برخاست و جنبش سندیکایی را سازمان داد. لذا از امکانات موجود مجله اندیشه جامعه به مدیر مسوولی آقای آشوری استفاده کرده ابتدا مقاله ای از سوی زنده یاد رضا فراهانی کنگرانی عضو سابق هیات مدیره سندیکای کارگران خیاط نوشته و سپس جواد مهران گهر عضو سابق هیات مدیره سندیکای کارگران کفاش با مصاحبه ای جانانه نقش سندیکا و اهمیت زندگی اتحادیه ای را شرح داد. این مصاحبه و تماس های مرتب رهبران سندیکایی با هم و هم اندیشی پیرامون بازگشایی

سندیکاهای کارگری با درگذشت حسین سمنانی، یکی از مروجان و آموزگاران بی نظیر آموزش های سندیکایی پس از سال ۱۳۳۲، با برپایی بزرگداشتی برای او، بستری برای به میدان آمدن رهبران سندیکایی و برگزاری گفتگو، مقاله نویسی، شرکت در مراسم های کارگری، حضور در میان کارگران شاغل و ایجاد هیات موسسان سندیکاهای کارگری و برپایی اول ماه مه سال ۱۳۸۴ در تالار باختر میدان انقلاب تهران را، به اتفافی مناسب برای تحولات پیش روی جنبش سندیکایی، بدل کرد.

از همان ابتدا سیاسیونی که فکر می کردند باید جنبش کارگری و بخش سازمان یافته آن، یعنی جنبش سندیکایی را با شعارهای سازمان سیاسی شان مزین!! کرده جنبش سندیکایی را با این شعارها به زیر مجموعه سازمان متبوع شان تبدیل کنند و به زعم خود جنبش کارگری را از افتادن به «ورطه کار عبث سندیکایی» منصرف نمود، وارد گود شدند. بخشی از این افراد بعد از چند سالی با عنوان فعال کارگری و گاه با یک دستگیری راهی خارج شده و جذب سازمان متبوع خود شده و یا در رادیو و تلویزیونی به کارشناس مسایل کارگری تبدیل شدند. بخشی دیگر از این افراد متوجه شدند باید برای مقابله با جریان سندیکا خواهی کارگران، دست به ایجاد تشکل هایی زده و کارگران را جذب کنند و نشان دهند فعالیت کارگری یعنی چه!!! این تشکل ها هم نتوانستند در متن زندگی کارگران حضور پیدا کرده و امروز از آنان جز امضا کردن پای هر بیانیه ای، اثری نمانده است. اما دریغ از یک کار منسجم و طولانی کارگری. به هر حال آنچه از همان روز اول مشخص بود فراگیری اندیشه های سندیکایی و اقبال کارگران به این اندیشه هاست. امروز بعد از تقریبین ۲۰ سال فعالیت نوین سندیکایی آنچه در متن مبارزات هنوز به زندگی کارگری حرکت و توان می دهد اندیشه و روش کار سندیکایی است و بس.

البته آغازگران فعالیت نوین سندیکایی به یاد دارند که چه افراد و جریان هایی به اصطلاح کارگری به کارگران شرکت واحد و هفت تپه ای نصیحت و نکوهش می کردند که «چرا سندیکا بوجود آورده اید و به ما نپیوسته اید، سندیکا محل تحمیق کارگران است» از همان زمان این جریان ها به تکاپو افتادند تا با عناصر موثر سندیکایی فعال و موثر ارتباط گرفته و با یارگیری و نفوذ در سندیکاهای کارگری، این بار اندیشه های خود را در هیات مدیره این سندیکاها به معرض نمایش و تفرقه افکنی و نهایتن فروپاشی این سندیکاها را رقم بزنند.

با اعتصاب دیمه سال ۱۳۸۴ سندیکای کارگران شرکت واحد، بسیاری از این افراد از فرصت استفاده کرده تمامی تلاش خود را کردند تا با جذب بخشی از باقی مانده هیات مدیره سندیکای شرکت واحد و با القای نظریات خود دست بالا را در هیات مدیره این سندیکا بدست بیاورند. از کمک های مالی به افراد و نه به صندوق سندیکا، گرفته تا دیدارهای مرتب با خانواده های دستگیر شدگان و یا آزاد شدگان. هوشیاری رهبران قدیمی سندیکایی

در هیات موسسان سندیکاهای کارگری این اقدامات را بی نتیجه گذاشت. هر چند در میان رهبران جوان سندیکایی با القانات جریان های به اصطلاح کارگری خودشیفتگی و شهرت کم کم جا باز کرد و دیدیم که درایت و خرد جمعی سندیکایی چگونه این افراد را از خود دور کرده و عاقبت این افراد سرگردان به کاسه لیسی در کشورهای اروپایی و آمریکایی را به چه روزی انداخته است.

آموزش سندیکایی می آموزد که استقلال سندیکا یا هر تشکلی به معنای این است که خرد جمعی، راهبرد هر سندیکایی است نه افراد بیرون این سندیکا. استقلال به معنای شفافیت در مسائل مالی و تکیه بر حق عضویت افراد و هواداران سندیکاست. کمک های مالی نباید تاثیری در سیاست های راهبردی اتخاذ شده هیات مدیره باشد. هر زمان هر تشکلی از این آموزه ها دور شد جز نابودی و دسته بندی عایدی نداشته است. بلایی که هنوز هم جنبش سندیکایی را رها نکرده است.

از ابتدای انقلاب بهمن، جریان هایی برای تضعیف جنبش سندیکایی موضوع «شوراهای کارگری و کنترل کارگری» را مطرح کرده که امروز موضوع «مجامع عمومی» هم به آن اضافه گشته است. اینکه شوراهای کارگری و کنترل کارگری باید با چه زمینه ای ایجاد و در چه بستری رشد کند را باید در متون کلاسیک کارگری خواند و آموخت. شوراهای کارگری در کارخانه ها با حکومت کارگری بوجود می آیند که دیگر سیستم سرمایه داری و بازار در این کشورها برچیده شده باشد. لذا شوراهای کارگری و به ویژه کنترل کارگری همسو با حکومت کارگری در آن کشورها به دستاوردهای درخشانی رسیدند. متأسفانه افرادی که مبلغ این شیوه ها در کشور ما هستند نمی گویند در کدام کشور سرمایه داری و یا جهان سومی بدون وجود حکومت کارگری و یا حزب طرفدار طبقه کارگر چنین شوراهایی وجود داشته و به چه دستاوردی رسیده اند؟ برای آنکه دید درستی داشته باشیم به واقعه ای که در سال ۱۳۸۷ در کارخانه چینی گیلان اتفاق افتاد، بطور خلاصه می پردازم.

با بروز مشکلاتی که در امر کارخانه بوجود آمد کارگران بارها اعتصاب کرده و افرادی که در ترویج شوراهای کارگری و کنترل کارگری فعال بودند تماس هایی برقرار و حتا فعالین این اندیشه، از تهران و کرج به گیلان رفته و در جلسه ای حضور یافتند. مشورت هایی طی دو روز انجام گرفت و دست آخر کارگران اداره کارخانه را به دست گرفته با رهنمودهای دریافتی، کارخانه و تولید را می چرخاندند. آنچه بدان فکر نکرده بودند یعنی رابطه مناسبات اقتصادی در جامعه بود. فروش تولیدات با چک های مدت دار و گاه برگشتی، وضعیت مالی را که بی تردید دست مافیای سرمایه در آن پنهان بود، نابسامان کرد. فراهم کردن مواد اولیه، تعمیرات و بسیاری از موارد به چالش هایی برای مدیران کارگری از مسایل هر روزه شد. مدیران کارگری که برغم دادن شعارهای تند نتوانسته

بودند حقوق کارگران را تامین و مشکلات قبلی و جاری کارخانه را حل کنند توسط کارگران کنار گذاشته شده و کارفرمای قبلی را با سلام و صلوات به کارخانه باز گردانند.

مهمترین موضوع در رابطه با این شکل از کار که قابل درک برای مروجان شوراهای کارگری و کنترل کارگری نیست فرق و ماهیت شورا با سندیکاست. سندیکا جایگاهی فقط کارگری دارد و به خواست صنفی کارگران در آن واحد تولیدی و یا در سطحی بسیار گسترده تر چون فدراسیون در سطح کشوری ایجاد می شود. کارگران سندیکایی در مقام مطالبه گران کارگری باقی مانده و در کشورهایی با مناسبات سرمایه داری هرگز خود را در جایگاه رفع مشکلات اقتصادی و مناسبات اقتصادی نمی بینند. با کارفرما یا دولت در مورد مشکلات کارگری حرف می زنند و تلاش می کنند وضعیت معیشتی زحمتکشان را بهبود بخشند، اما جایگاه خود را به حزب طبقه کارگر ارتقا نمی دهند. در جامعه نئولیبرال زده ما که دلالی و رانت خواری در تمامی امور حرف اول را می زند چه در سیاست، چه در اقتصاد چه در فرهنگ و حتا در عرصه نظامی زود است که در مورد شوراهای کارگری و کنترل کارگری حرف بزنیم و خواهان اجرایی شدنش باشیم. بطور مثال اگر امورات کارخانه هفت تپه را همین امروز به کارگرانش بسپارند آنها می توانند آن را بچرخانند؟ در حالی که واردات شکر نابودی صنایع قندی ما را نشانه رفته است؟ آن هم با دستگاههایی که بازسازی و نوین نگشته اند؟ کارخانه هایی چون هفت تپه برای سرمایه دار رانت خوار دلال اصلن پولساز نیست چون نه به قندش احتیاجی دارند نه به صنایع کاغذسازیش، نه به کارخانه های خوراک دامش و نه به کارخانه الکل سازیش. (البته با آمدن کرونا تولید الکل مهم شد ولی بعد از کرونا دیگر احتیاجی به این کارخانه ها هم نیست) چرا که همه این موارد را با ارزان ترین قیمت ها وارد کشور می کنند. نئولیبرالیسم اعتقادی به صنعت و استقلال صنعتی ندارد برای او فقط تولید نفت و گاز مهم است بقیه را باید از کشورهای دیگر تهیه کرد. بلایی که سر تراکتورسازی، ماشین سازی، ماشین آلات راهسازی هپکو، واگن سازی، صنایع شیشه، چرم... آورده اند چرا که دلال های لانه کرده در هیات دولت و وزارت بازرگانی با نبود این صنایع می توانند راحتتر کالاهایشان را وارد کنند. حتا اگر کارخانه هفت تپه را هم به دست کارگران بدهند با وجود سیاست واردات که می خواهد سر به تن صنایع قندی نباشد، کارگران پس از چندی باید کارخانه را بگذارند و فرار کنند چون دولت سیاستی برای حمایت از صنایع داخلی را پیش نمی برد. سیاست دولت های نئولیبرال نابودی هرگونه تشکیلاتی چه اقتصادی و چه اجتماعی است. از تعاونی های مصرف و مسکن گرفته تا سندیکاهای کارگری و حتا احزاب بی رنگ رو همه باید نابود شوند و اختیارات در دست در اختیار مافیای نئولیبرال باشد. ویژگی نئولیبرالیسم بی قانونی در همه عرصه و آزادی چپاول و ستم است. آزادی جابجایی پول و کارگر ارزان.

مازیار گیلانی نژاد دیماه ۱۳۹۹



رضا شاه فقط چادر را از سر زنان با زور پایین کشید، ولی هرگونه تشکل زنان را که برای رسیدن به حقوق واقعی آنها ایجاد می شد را به شدت سرکوب میکرد!!
 جمعیت نسوان وطنخواه (پویایی: از ۱۳۰۱ تا ۱۳۱۲ش/ ۱۹۲۲-۱۹۳۳) یکی از سازمان‌های رادیکال شناخته شده زنان در تهران بود که در سال ۱۳۰۱ توسط تعدادی از زنان روشنفکر ایرانی، به اهتمام محترم اسکندری تشکیل شد. هدف جمعیت نسوان وطنخواه، ترویج حقوق زنان و بهبود شرایط دختران بود. این سازمان نشریه نسوان وطنخواه را منتشر می‌کرد و فعالیت‌هایی مانند برگزاری کلاس‌های تحصیلی دختران و اکابر، تأسیس بیمارستان برای زنان فقیر، برگزاری جلسات سخنرانی و راهپیمایی داشت و نمایشی به نام آدم و حوا اجرا کرد. این جمعیت میزبان دومین کنگره نسوان شرق در سال ۱۳۱۱ در ایران بود.

جمعیت نسوان وطنخواه آخرین انجمن زنانی بود که در دوره سرکوب نشریات و احزاب کشور به‌دست رضاشاه، در سال ۱۳۱۲ بسته شد.
 نام این بانوان آزادیخواه و پیشرو:

هیئت مدیره جمعیت نسوان وطنخواه، انجمن حقوق زنان در تهران (۱۳۰۱-۱۳۱۱)
 نشسته از چپ به راست: فخرآفاق پارسا، ملوک اسکندری، کبری چناتی، مستوره افشار، نصرت مشیری، صفیه اسکندری، عصمت‌الملوک شریفی
 ایستاده: مهرانگیز اسکندری، بانو چناتی، هانیده افشار، عباسه پایور، قدسیه مشیری
 یاد و نام ایشان گرامی باد...

زنان تلاشگر را بشناسیم



فاطمه اعتدادی کاندیدای برترین بازیکن فوتسال جهان شد!

ملی‌پوش فوتسال زنان ایران و بازیکن تیم مس رفسنجان کاندیدای برترین بازیکن فوتسال جهان در سال ۲۰۲۰ شد. گلاره ناظمی در بخش داوری، زینب کرمی در بخش دروازه‌بانی، عاطفه رضایی در بخش مربیگری و مس رفسنجان در بخش باشگاهی دیگر نمایندگان فوتسال زنان ایران هستند.

« نسیم عشقی »

مانده است بر جای جای سنگ‌های این سرزمین و سرزمین‌های دور، جای سر پنجه انگشتان دختری با موهای بلند مشکی. تلفیقی از ظرافت زنانه با خشونت سنگ‌ها؛ جمع اضداد را می‌شود به یک باره به تماشا نشست. تلالو نور آفتاب صبحگاهان که سرپنجه بر ستیغ صخره‌ها و گریوه‌ها و دیواره‌ها می‌کشد آن وقت است که نسیم با نسیم می‌آمیزد و دست بر سنگ و پای بر صخره می‌کوبد.



شاید بشود به نوعی وحشی اش خواند! کسی که نه روز می شناسد و نه شب، نه هرم داغ آفتاب، نه سوز سرد برف! عادتش هست در گرم و سرد ایام، تن به آب رودخانه ها می دهد و بر داغمه و یخ زدگی سنگ دست می کشد. فصل را نمی شناسد برای سنگنوردی اش- دختری برای تمام فصول!

«نسیم عشقی» از جمله دختران این سرزمین است که عصر حاضر کم به خودش دیده، جسور، نترس، واله، با صلابت، جملگی آمیخته با شور شیدایی و هر آنچه که موجودی رسته از شهر و مامن گزیده به دامن طبیعت لازم می آید تا سر کند میان سنگ و صخره روزگاران را. می شود وی را یک مولتی ورزشکار ویا اعجوبه ورزشی نامید کسی که ورزش های بسیاری را تجربه کرده و در آن به کسب مقام های متعدد نائل آمده و همچنین اخذ مدارک مربی گری و داوری در رشته هایی که هیچ سنخیتی با هم ندارند.

می گوید: تنها چالش ما (زنها) در دنیای سنگ نوردیمان و یا هر ورزش دیگر، خودمان هستیم. در درون ما صدایی هست که ما را از به پیش راندن باز می دارد. صدایی که نگران است. نگران اینکه "دیگران در مورد من چه فکری می کنند؟ یا " اگر آنطور که آنها می خواهند نباشم چه؟" این صدا را باید خاموش کرد.

در حال حاضر زنان در جامعه ما از آزادی انجام تقریباً هر کاری برخوردارند. ولی به مرحله ورزش کردن که می‌رسند، با اولین ندای مخالفت میدان را خالی کرده و تنبلی خود را بر گردن خانواده و جامعه و ... می‌اندازند. در صورتیکه برای انجام جراحی‌های زیبایی و ... تمامی مخالفان را نادیده می‌گیرند. گویا تمام اهالی خاندان رضایت‌نامه را امضا کرده‌اند.

"نسیم عشقی" بانوی سنگنورد ایرانی

یاد بگیریم!

درج صحیح عنوان شغلی در سابقه بیمه چه تاثیری دارد؟

۱) عنوان شغل واقعی کارگر را در لیست بیمه صرفاً برای آندسته از کارگرانی که در مشاغل سخت و زیان‌آور مشغول بکار هستند قابل اهمیت است.

۲) -بنابراین به تمام کارگرانی که در مشاغل سخت و زیان‌آور مشغول به کار هستند توصیه می‌شود، عنوان شغلی خود را در لیست‌های بیمه، با مراجعه به شعب سازمان تأمین اجتماعی، بررسی کنند.

۳) -چنانچه شغل مورد ادعای کارگر در کمیته مشاغل سخت و زیان‌آور با لیست بیمه مطابقت نداشته باشد، امکان برخورداری کارگر از مزایای بازنشستگی پیش از موعد مشکل خواهد بود.

۴) -برابر ماده ۲۴ دستورالعمل اداری موضوع ماده ۱۴۸ قانون کار و به استناد ماده ۳۹ قانون تأمین اجتماعی، لیست ارسالی توسط کارفرما صرفاً تا ۶ ماه قابل بررسی و اصلاح خواهد بود و پس از آن قطعی است.

□ کارگران در ماه چند ساعت باید کار کنند؟

✓ ساعات کاری اصولاً به صورت هفتگی تعیین شده است.

◆ مواد ۵۱ و ۵۲ قانون کار به میزان ۳۶ ساعت برای کارگران شاغل در کارهای سخت و زیان آور و زیرزمینی و ۴۴ ساعت برای سایر کارگران کار در روزهای هفته با جلب توافق کارگران ذی ربط از اختیارات کارفرما بوده است.

◆ همچنین به جز کارگران شاغل در کارهای سخت و زیان آور که ساعات کار آنها نباید از ۶ ساعت در هر روز تجاوز کند در مورد سایر کارگران با عنایت به تبصره یک ماده ۵۱ عملاً حداکثری برای میزان ساعات کار روزانه، مشروط به جلب موافقت کارگر در قانون کار، در نظر گرفته نشده است.

□ تبدیل وضعیت کارگران دائم به موقت

◆ کارگرانی که به واسطه قرارداد های دائم یا اینکه کارفرما با آنها قراردادی را به صورت کتبی نبسته، چون شفاهی است نیروی دائم محسوب می شوند. زمانی که کارفرما می خواهد به نیروی موقت تبدیل کند یک قرارداد ۳ یا ۶ ماهه منعقد می کند به تصور اینکه کارگر نیروی موقت شد، این تصور کاملاً اشتباه است و کارگر به واسطه اینکه هنوز نیروی دائم است می تواند شکایت کند.

◆ برای تبدیل کارگر دائم به موقت، کارفرما حتماً ابتدا باید تسویه دوره اشتغال دائم بوده را انجام دهد و بعد از آن قرارداد موقت را ببندد. پس انعقاد قرارداد موقت با نیروی دائم بدون تسویه حساب و جاهت قانونی ندارد.

پیام سندیکا نشریه سندیکا‌های کارگری ایران

اینجا ایران است، صدای ما را

از بال زخمی یک کبوتر می‌شنوید.

کارگری ظهر امروز

خودش را از آسمان آویخت.

تنها یک یادداشت، در جیب کتش پیدا شد:

مواد اولیه این کارخانه، استخوان‌های ماست

و صفرهای حساب بانکی مدیر، دانه‌های عرق کارگرانی است که دستمزد نگرفته‌اند.

راننده خفه کرد، صدای رادیو را

چشم دوختم، به تاریکی پنجره

می‌رفتم، تا کار پیدا کنم

در جایی دیگر

اما هر چه می‌رفتیم، به جایی نمی‌رسیدیم

وطنم، اتوبوسی ته دره

که تنها راننده خواب‌آلودش زنده مانده است

اینجا ایران است مردگان در صفوف

کارگر پروژه ای «واریان»

زنده ها مترسک زمان بی حرکت .



◆ دیدار با مسوولین سازمان پیمانان کرج!

امروز ۴ بهمن ۱۳۹۹ طبق قرار قبلی ساعت ۱۰ صبح جلسه ای در دفتر آقای مهندس مسیبی ریاست محترم سازمان پیمانان کرج با حضور ایشان و مهندس پهلوان ریاست روابط عمومی سازمان پیمانان و اعضای پویش «نه به ته سیگار» خانم بهاور و آقای گیلانی نژاد در رابطه با موضوع مناسب سازی جمع آوری ته سیگار گفتگو به عمل آمد. در این جلسه ابتدا پس از معارفه، خانم بهاور و آقای گیلانی نژاد از روند فعالیت پویش «نه به ته سیگار» و همکاری دو جانبه پویش و سازمان پیمانان و همچنین اطلاعاتی در مورد مضرات ته سیگار بیان نمودند و در رابطه با مجهز سازی مناسب و نوین جمع آوری و دپوی ته سیگار تاکید کردند. فعالیت آموزشی و فرهنگ سازی دواطلبانه اعضای پویش در مورد این زباله کوچک اما خطرناک بخش دیگری از گفتگوی این جلسه بود.

مهندس مسیبه ضمن اعلام حمایت و رضایت از همکاری دو جانبه سازمان پسماند کرج و پویش «نه به ته سیگار» در رابطه با مجهز نمودن مناسب و نوین پارکی در کرج به "جای ته سیگار" (سطل مخصوص ته سیگار) که تا اواخر بهمن اجرایی شود، اعلام آمادگی کرده و دستورات لازم را به مهندس پهلوان دادند. در مورد لندفیلدکردن ته سیگار به صورت علمی و طبق استاندارد های بین المللی اعلام کردند که بخشی رادر حلقه دره را به ته سیگار اختصاص خواهند داد.

قرار شد در این هفته جلسه دیگری در رابطه با نصب "جای ته سیگار" و همکاری های مشترک، با مهندس پهلوان رییس روابط عمومی سازمان پسماند و اعضای پویش درباره ی چگونگی نصب و افتتاح اولین پارک مجهز شده به جای ته سیگارها برگزار شود .

جلسه در ساعت ۱۱ خاتمه یافت.

آموزش و فرهنگ سازی زیر بنای پویش نه به ته سیگار

#ته_سیگارت_را_با_خودت_ببر_می_باشد.

ته سیگارها بعد از له شدن از انسان انتقام می گیرند.

ته سیگار در صنعت آجر سازی، آسفالت سازی و فولاد سازی کاربرد دارد

با ما همراه باشید..

درسنامه (۸)

پیوند مبارزات اقتصادی با مبارزات سیاسی

هدف نهایی جنبش کارگری تصرف قدرت سیاسی است و برای این منظور سازمان های سیاسی و صنفی خود را در جریان مبارزات اقتصادی تشکیل و رشد می دهد. هر حرکتی که طبقه کارگر برای مخالفت با سیاست های اقتصادی و اجتماعی و سیاسی که علیه منافع کارگران باشد و توسط حاکمیت سرمایه داری به آن تحمیل می گردد، انجام دهد، جنبشی است که خواهد کوشید این سیاست ها را افشا و در صورت توان تغییر دهد.

چه فرقی بین یک جنبش سیاسی با جنبش صنفی است؟

برای دانستن این موضوع مثالی می زنیم، مثلن کوشش برای کاهش زمان ساعات کار در یک کارگاه یا فقط در یک شاخه از صنعت به وسیله اعتصاب یا هر حرکت دیگری، جنبشی صرفن اقتصادی است اما اگر این جنبش به صورت سراسری در آید یک جنبش سیاسی است. در حال حاضر جنبش مخالفت با خصوصی سازی در هفت تپه، هپکو، معادن چادرملو یک جنبش سیاسی است. یعنی زحمتکشان به منظور پیروز گرداندن منافع خویش به صورت عمومی و سراسری حرکت کرده اند .

در آنجایی که طبقه کارگر هنوز به آن درجه از تشکل سازمانی دست نیافته تا بتواند با اقتدار سیاسی طبقه حاکم به مبارزه ای سرنوشت ساز بپردازد وظیفه همه پیشروان طبقه کارگر است که با کاری روشنگرانه و صبورانه علیه سیاست های طبقه حاکم نسبت به زحمتکشان دست به فعالیت زده و زحمتکشان را به آن درجه از رشد سازمانی برسانند تا به سندیکاهای کارگری و یا احزاب طرفدار طبقه کارگر بپیوندند. در غیر این صورت زحمتکشان به صورت آلت دست طبقه حاکم باقی خواهند ماند.

زحمتکشان زمانی می توانند به صورت یک طبقه به سمت نبرد نهایی بروند که در حزب سیاسی خود متشکل شده باشند. این اتفاق نخواهد افتاد مگر اینکه زحمتکشان از قیل در مبارزات اقتصادی در سندیکاهای کارگری متشکل شده باشند و فن مبارزات مختلف اعم از اعتصاب، چانه زنی و ... را آموخته باشند. بی تردید مبارزه طبقه کارگر در جریان مبارزات اقتصادی و سیاسی با هم پیوندی ناگسستنی دارند.

بیاموزیم!

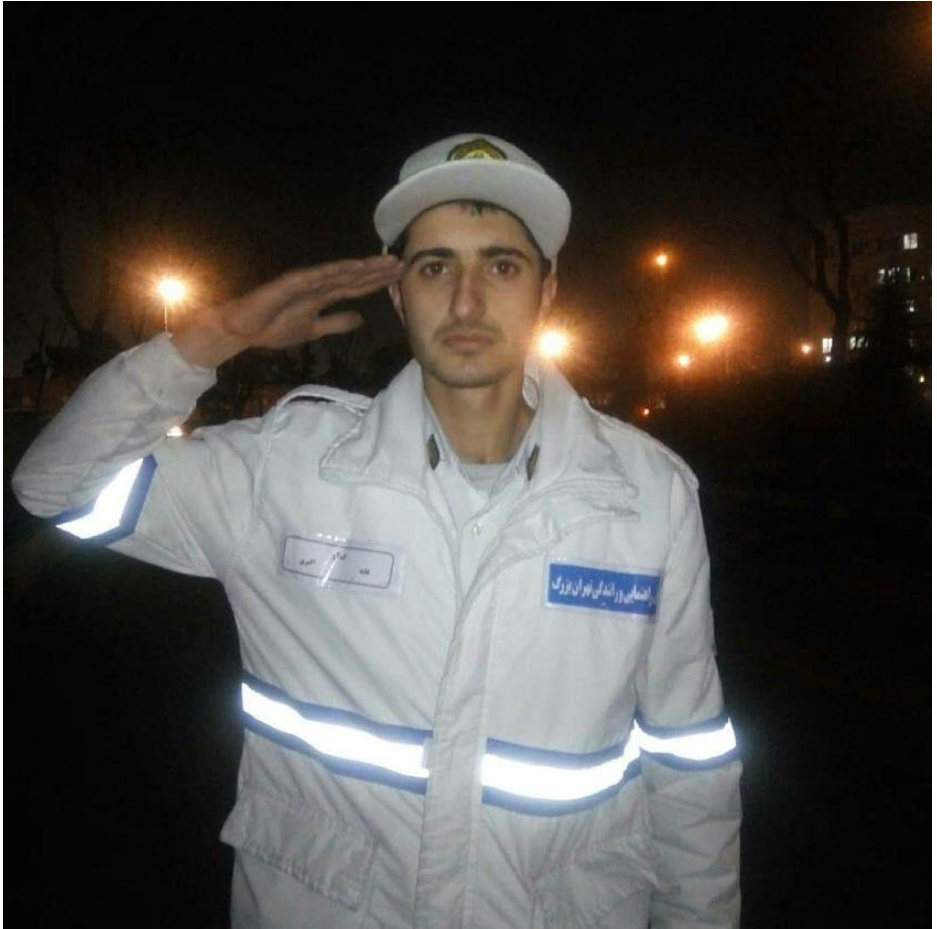
امیل دورکیم می‌گوید:

«وقتی افرادی که پی می‌برند منافع مشترک دارند اتحادیه تشکیل می‌دهند، این متحد شدن فقط برای دفاع از منافع مشترک نیست بلکه همچنین برای بهره‌مندی از لذت یکپارچه‌شدن با جمع و خود را گمگشته احساس نکردن است»

از نظر امیل دورکیم:

در جامعه مدرن این کار اتحادیه‌ها و گروه‌های صنفی است که افراد را به مراعات انضباطی اخلاقی مجبورکنند؛ و از آنجا که تعیین چارچوب‌های «اخلاق حرفه‌ای» امری است بسیار تخصصی از حوزه صلاحیت حکومت خارج است.

لذا در جامعه مدرن حکومت مرجع تعیین امر اخلاقی و چارچوب‌های آن نیست.



هر صاحب منصبی باید این جمله طلایی **سرباز راهور** خطاب به **عناستانی** رو قاب کنه بزنه بالای سرش تا وقتی دلش هوس ویژه خواری کرد چشمش بهش بیفته؛

"هر خری هستی واسه خودت هستی"



این هم سهم من از ثروت ملی!